

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی

غیر دولتی - غیر انتفاعی

جامع شیخ بهائی

مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی - فرہنگ دانشجوہ - سال ہفتم - شمارہ بیست و ہفتم - زمستانی ۹۹



علمی - فرہنگی - مذہبی - ادبی و...





مقام معظم رهبری:

بصیرت به معنای آن است که انسان در شناخت راه درست دچار اشتباه نشود و صبر هم یعنی استقامت و پافشاری در پیمودن صراط مستقیم که اگر این دو عنصر وجود داشته باشد، دشمن نمی‌تواند به اهداف خود برسد.

۹۹/۱۲/۲۱



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	سخن آسمانی.....
۵	زبان الگو در معماری و شهرسازی سنتی ایران.....
۱۶	شیخ ما گفت.....
۱۸	درمان وسواس با شیوه ACT درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد
۲۵	تأثیر کیفیت خوانایی در شهر خلاق
۳۵	استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی در پیشرفت امنیت..
۴۱	مناسبت‌ها در زمستان ۹۹.....
۴۸	اخبار دانشگاه در زمستان ۹۹.....

عنوان مجله:

جامع شیخ بهایی
(مجله داخلی دانشگاه شیخ بهایی)
زمستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر سید محمود خاتون آبادی؛
معاونت دانشجویی و فرهنگی

سر دبیر:

مهندس سید محمد مهدی تابعی
طرح جلد، صفحه آرای و تدوین:
فاطمه فدوی حسینی

رایانامه مجله:

jshbu@shbu.ac.ir

مسئولیت مطالب هر بخش به عهده نگارنده آن می باشد

مریم کاظمی^۱

سخن آسمانی

امام علی علیه السلام: "الْمُرَآئِي ظَاهِرُهُ جَمِيلٌ وَبَاطِنُهُ غَلِيلٌ" ریاکار ظاهر عملش زیبا و باطنش زشت و بیمار است.^۲

ریا در زبان عربی از ماده (روی) یا (رای) به معنای تظاهر و ظاهرسازی است^۳ و در اصطلاح این که انسان بخواهد با نشان دادن اعمال و کارهای نیک خود به دیگران نزد آنان اعتبار و منزلت کسب کند و قصد او برای خداوند نباشد. در اصل ریا نوعی فریب و فریبکاری است و نقطه مقابل اخلاص می‌باشد. ریا عملی برای دیدن دیگر مردمان است. در اصطلاح شرعی آن است که آدمی در انجام عبادات، قصد کسب منزلت در دل مردم را داشته باشد که در این صورت به تعبیر دین اسلام نفاق و منافق است. کسی که خود را مومن و معتقد می‌داند و گمان می‌کند که خدا و دیگران را می‌فریبد ولی در اصل خود را می‌فریبد. البته ریا مخصوص اعمال عبادی نیست و در عمل می‌تواند به صورت گفتاری و رفتاری شکل گیرد.^۴

واژه ریا در قرآن مجید پنج مرتبه به کار رفته است و خداوند از آن به عنوان شرک یاد می‌کند و رفتار ریاکارانه انسان را به کفر او نسبت می‌دهد.^۵ اما لازم است بدانیم که هر عمل نیک آشکاری ریاکاری نیست و حتی گاهی موارد تاکید شده است که؛ اعمال خوب انسان آشکار انجام شود تا سرمشقی برای دیگران باشد و انجام اعمال نزد خداوند به قصد و نیت انسان از آن عمل بستگی دارد و چنانچه اهداف انسان از آن اعمال دنیوی بوده و به منظور کسب محبوبیت و شهرت اجتماعی، یا کسب مقام و ثروت و گرفتن امتیازات اجتماعی و یا به نمایش گذاشتن زهد و تدین خود باشد ریاکاری است. آنانی که به خیال خود زرنگی کرده‌اند اما در اصل جاهل و نادان نسبت به عظمت الهی خداوند متعال و علم بی‌کران او هستند و ایمان آنها ضعیف است و ریشه در کفر آنان نسبت به خداوند دارد.

"گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود"^۶

متأسفانه وجود ریاکاری و زهدنمایی افراد؛ نه تنها برای شخص ریاکار عواقب بدی دارد که برای کلیت جامعه نیز زیان‌بار می‌باشد؛ که از جمله پیامدهای آن برای شخص ریاکار متوان به باطل بودن اعمال نیک او نزد خداوند، که به فرموده امام صادق (علیه السلام): «تمام کارهای نیک مورد قبول خدا است جز عملی که از روی ریا باشد»^۷؛ محروم شدن از محبت خداوند و همدلی با شیطان، که در کلام الهی "کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند... کسانی که شیطان قرین او باشد"^۸ و در نهایت شرمساری در روز قیامت و پیشگاه الهی اشاره نمود.

بسی امام ریایی و پیشوای بزرگ
چرا ز حال قیامت دمی نیندیشی
که روز حشر و جزا شرمسار خواهد بود
که حال بی‌خبران سخت زار خواهد بود^۹

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

^۲. غررالحکم، ج ۱، ص ۶، ش ۱۶۱۴

^۳. محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه ر.

^۴. احمد فهری، بحثی پیرامون ریا، ۱۳۵۹، ص ۶.

^۵. قرآن مجید، کهف، ۱۱۰؛ بقره، ۲۶۴؛ نساء، ۳۸

^۶. دیوان حافظ، غزل ۲۲۷

^۷. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۱

^۸. قرآن، نساء، ۳۸

^۹. سعدی، گنجور، قصیده شماره ۲۳

اما به غیر از آثار فردی ریا، پیامدهای وجود و گسترش ریاکاری در جامعه بسیار بد است؛ زیرا ریاکاری جزء رذایل اخلاقی بسیار زشت و نکوهش شده است، که بنیاد اعتماد در جامعه را هدف گرفته و از بین می‌برد. چرا که بنیان هر اصلی در جامعه بر اعتماد عمومی قرارداد و عدم وجود آن در عشق و تشکیل زندگی خانوادگی، در تجارت و معاملات اقتصادی، شریک شدن در غم و شادی دیگران، حتی عزاداری‌های مذهبی، در دین و عالمان دینی و بالاتر از همه در دیپلماسی و پیشوایان سیاسی باعث از بین رفتن آرامش مردم و افزایش سوءظن و سلب امنیت می‌گردد. که در اصطلاح جامعه شناسان به چنین فرهنگی در جامعه که ارزشهای آن همواره در حال زوال بوده و باور قلبی به آن وجود نداشته، و تنها افراد جامعه آن را به حالت نقاب به چهره می‌زنند فرهنگ بیمار می‌گویند.^۱ آن هم بیماری از نوع واگیردار که با ریختن قبح آن و شناخته شدن به عنوان عامل موفقیت افراد روز به روز در جامعه افزایش می‌یابد^۲



^۱. علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، ص ۶

^۲. شفقنا، مصاحبه دکتر قرایی مقدم in,fa,shafagna.com



زبان الگو در معماری و شهرسازی سنتی ایران

منیژه رحمتی^۱

چکیده

الگوها، حاوی قابلیت‌های لازم جهت شکل دهی به محیط هستند. از طریق بازشناسی آنها می‌توانیم دنیای اطراف خویش را درک نموده و نوعی زبان توصیف و تحلیل را شکل دهیم که بر اساس آن میزان تأثیر هر مؤلفه‌ای را بر زندگی خویش دریابیم. واقعیت آن است که اغلب دست‌اندرکاران امر شهرسازی و معماری، شیوه‌های کشورهای غربی را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهند. در شهرهای سنتی ایران یک نظام سازمان یافته برای این امر وجود ندارد و نگارنده اعتقاد دارد نبود الگو یکی از پاسخ‌هاست و با پیدا کردن یک زبان الگو می‌توان این مسئله را تا حدی حل کرد. زبان الگو برگرفته از فرهنگ، الگوی رویدادها در فضا و چپستی فضاست، پس این جرقه را در ذهن پژوهشگر پدید می‌آورد که بین حوزه زبان الگو و معماری و شهرسازی سنتی ایرانی می‌توان به ارتباطی رسید و بتوان به مدلی ارتباطی از «زبان الگوی معماری و شهرسازی سنتی ایران» دست یافت. معماری و شهرسازی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حفظ و ارتقای ویژگی‌های فرهنگی و ایرانی در شهرهای آینده است. بدین ترتیب این مقاله سعی در اثبات وجود یک زبان الگویی تعمیم پذیر برای معماری و شهرسازی سنتی ایرانی است که بوسیله آن بتوان ساخت و ساز را برای شهرها ساماندهی نمود. که از طریق شناسایی اجزاء این زبان از گذشته تا حال و با پیش بینی و پیوند مفاهیم آینده به آن، زبان را به شیوه‌ای ماندنی و قابل محاوره (استفاده) تدوین نماید. به این ترتیب زمینه فرهنگی ایرانی، اقلیم، نیازهای جامعه و تداوم تاریخی زبان مورد نظر از گذشته تا آینده، نقش ویژه‌ای در تدوین آن دارد.

واژه‌های کلیدی: الگو، زبان، زبان الگو، شهرسازی سنتی

مقدمه

زبان به عنوان وسیله انتقال افکار و بیان احساسات (یا ارزش های) جامعه شناخته می‌شود که فرد آنرا به کار می‌گیرد تا به مجموعه آنچه در ذهن خود قرار دارد، لباس لفظ بپوشاند و آن را به دیگران عرضه کند. (باطنی، ۱۳۷۴) و زبان طراحی شهری نیز ابزاری است که به ذهنیات و ساختار معنایی جامعه لباس کالبد می‌پوشاند و آن را به دیگران عرضه می‌کند. این پژوهش با توجه به مسئله مذکور، شهرسازی را به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حفظ و ارتقای ویژگی‌های فرهنگی ایرانی در شهرهای آینده معرفی می‌نماید. اشاره و پرسش از الگو از حدود ۲ هزار سال پیش در آثار تألیفی معماری دیده می‌شود. از ویتروویوس که در اثر مشهور خود «ده کتاب معماری» گونه‌های مختلف بناهای یونانی شامل خانه‌ها، معابد و ابنیه عمومی را با منظور دستیابی به الگوی آنها، دسته بندی کرده است. تا امروز دهها کتاب و رساله در موضوعات گونه شناسی و تدوین الگو، نگاشته شده که همگی بر نقش و تأثیر الگوها بر طراحی، تأکید داشته‌اند و هم اکنون نیز این موضوع در بسیاری از دانشگاه‌های جهان به بحث گذاشته شده است. (سامه، ۱۳۸۵) زبان و زبان شناسی در دهه‌های اخیر در رشته‌های مختلفی از جمله معماری و شهرسازی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. کریستوفر الکساندر (۱۹۷۹) بر اساس ساختار زبان به معرفی یک زبان الگویی برای طراحی شهری می‌پردازد. تقریباً همزمان با او جفری برودبنت (۱۹۷۲) نیز سعی داشته است ژرف ساخته‌های^۲ زبان معماری را تدوین نماید. همچنین مایکل گریوز در همان دهه با تلقی معماری به عنوان یک نظام معنی‌دار فرهنگی و با استفاده از مفاهیم خاص نظریه‌های زبانی، الگوی معماری استعاره‌ای را پیشنهاد می‌کند. چارلز جنکس نیز در سال ۱۹۸۷ در کتاب معروف خود زبان معماری فراتجدگرا، با بهره گیری از تمامی تجربیات معماری فراتجدد،

^۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری دانشگاه شیخ بهایی اصفهان

Email: manizhehrahmati@gmail.com, m.rahmati@shbu.ac.ir

معماری تجددگرا را نقد و خصوصیات معماری فراتجدد به مفهوم وسیع آن که طراحی شهری را نیز در بر دارد، با استفاده از مفاهیم زبانی توصیف می‌نماید. این تجربیات و سایر مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که زبان و نظریه‌های زبانی می‌توانند پایه نظری مناسبی برای تدوین نظریه‌های غیرزبانی در سایر حوزه‌ها و همچنین «شهرسازی سنتی» باشند. (فریادی، ۱۳۷۹) بر همین اساس در این مقاله سعی شده به طور خاص به شهرهای سنتی ایران پرداخته می‌شود و ضرورت وجود زبان الگو در آنها به تأیید و اثبات رسیده است.

۱- زبان

بر اساس یافته‌های معتبر علمی و نیز نظریه پردازی‌های اندیشمندان بزرگ عصر حاضر چون هایدگر یا چامسکی، دیگر نباید به پدیده زبان تنها به عنوان یک ابزار نگریست. زبان عرصه گسترده و عمیقی است که موجودیت انسان و جوامع انسانی و نیز ماهیت فرهنگی آنها را محقق نموده و مجال بروز و ظهور به آنها می‌دهد. تا آنجا که شاید بتوان گفت که انسان در زبان زنده است. (براتی، ۱۳۸۲) زبان دارای نوعی خاصیت تعمیم‌پذیری است که بوسیله یکسری لغات معنی و قواعد دستوری مشخص، بیان اندیشه و درک آن را در یک جامعه خاص امکان‌پذیر می‌سازد. از سویی دیگر زبان دارای خاصیت خلاقانه است به این مفهوم که استفاده از همان لغات و قواعد مشخص امکان بیان انواع گوناگون اندیشه‌های افراد را فراهم می‌سازد و باعث خلق متن‌های مختلفی می‌شود که هر یک ذهنیت خاص گوینده را انعکاس می‌دهد. (فریادی، ۱۳۷۹)

۲- زبان، محیط و فضا

یکی از مباحثی که اخیراً، هم در عرصه زبان‌شناسی و هم در موضوع‌های مرتبط با ادراک محیط و فضا، بسیار به آن توجه شده است بحث نقش و اهمیت زبان در فرآیند ادراک انسان از محیط است. فعالیت مؤثر در فضا را می‌توان از مهمترین ضروریات بقای حیات فردی و اجتماعی انسان دانست. لازمه این فعالیت‌ها نظام‌های ادراکی-شناختی بسیار پیچیده فضایی است. زبان‌ها، به لحاظ تبیین فضا و اجزاء و عناصر آن، می‌توانند متفاوت باشند. این تفاوت می‌تواند در نحوه ادراک، تعبیر و شناخت محیط و فضای زیست باشد. انسان، در هر جامعه‌ای، برای برقراری ارتباط متقابل با محیط و انسان‌های اطراف خود مجبور به کسب یک دانش زبانی درباره فضا و نحوه استقرار اشیا در آن است. (براتی، ۱۳۸۲) زبان در جریان ارتباط با محیط و افراد جامعه دو نقش مهم بازی می‌کند. از یک سو استفاده از زبان برای نامیدن اجزا و عناصر محیطی، به نوعی، تجزیه جهان به اجزای بسیار کوچک و منفک است که با توجه به توانمندی‌ها و محدودیت مغز انسان جهان را برای او قابل درک می‌کند. از سوی دیگر، و در مقابل این نقش جزء گرایانه، زبان به واسطه وجود سازمان و ساختار خاص خود یک ماهیت کل‌گرا دارد. به همین علت، در بستر کلی خود، بین لغات و مفاهیمی که ظاهراً به طور مجزا ساخته و بیان می‌شوند پیوند و وحدتی ناپیدا را برقرار می‌کند. در نتیجه می‌توان زبان را دارای خاصیت‌های همزمان جزء گرا و کل‌گرا دانست. زبان به واسطه توانمندی‌ها و ساختار خاص خود، امکان درک، طبقه‌بندی، شناخت و تحلیل جهان را در اختیار گویشوران خود قرار می‌دهد. هر چند تفکرات و روش‌های جزء گرایانه و کمی‌گرایانه اغلب سعی کرده‌اند درک انسان از محیط و فضا را امری مطلق و واحد بین همه انسان‌ها در اقصی نقاط عالم نشان دهند، با ظهور نظریات جدید این مدعا دیگر پذیرفتنی نیست، انسان برای فضا و انتقال اطلاعات فضایی به دیگران، نیاز به کسب دانش خاصی دارد که اصطلاحاً آن را «زبان فضایی» گویند. که البته درک و شناخت فضایی اشیاء مقدم بر کسب زبان فضایی خواهد بود. (براتی، ۱۳۸۲)

۳- الگو

الگوها را می‌توان رویکردی به معیارها و سنجه‌هایی دانست که امکان بهترین کارکرد را ممکن می‌کنند. بر این اساس یک الگو، شاخصه‌ای بارز و سنجه‌ای کامل است که بهینه‌ترین و کارآمدترین راهکار را در پاسخگویی به نیازهای یک سیستم

فراهم می‌کند. بکارگیری الگوها در معماری به تحقیقات کریستوفر الکساندر^۱ و ایشیکاوا^۲ برمی‌گردد که به تبیین و تعیین ۲۵۳ الگو در طراحی منجر می‌شود که برخی از این الگوها جهانشمول تر و برخی بومی تر و مختص فرهنگ آمریکای شمالی می‌باشند. در این قسمت با بررسی نگرش‌های مختلف یک دسته بندی برای دستیابی به چارچوب فکری در حیطه نگرش به موضوعیت «الگو» در شهرسازی و معماری، و راهبردها و تدابیر در جهت شناخت عمل بر مبنای آن صورت می‌گیرد.

جدول ۱: مقایسه رویکردها و نگرش‌ها پیرامون موضوع، (سامه، ۱۳۸۵)

رویکرد	راهبرد ویژه	انواع الگو
نگرش محیطی	الگوهای محیطی تعیین کننده اصلی گونه های معماری هستند.	الگوهای زیست محیطی-الگوهای فرآیندهای زیستی انسان-الگوهای فرآیندهای محیط طبیعی
نگرش کالبدی	به عنوان نظامی بر جای مانده از جریانات محیطی گذشته بر گونه ها در طول زمان هم اکنون واجد هویت های خاص و اطلاعات ارزشمندی هستند.	الگوهای عملکردی (فضا) الگوهای ساختاری (فرم)
نگرش رفتاری	الگوهای شناخت و رفتار در فرآیند تطبیق با محیط یا تأثیر از آن برای ایجاد سازگاری در محیط کالبدی شکل می گیرند.	الگوی رویداد رایج در محیط الگوی فعالیت ها و رفتارهای انسان الگوی جاری رفتار انسان در محیط
نگرش منطقی-ریاضیاتی	الگوهای ریاضیات، الگوهای ذهنی و تجربیدی از روابطی روشمند هستند که به شکل سامانه های منطقی در محیط تجلی می یابند.	الگوهای شکلی و تناسبات الگوهای هندسی و اندازه ها
نگرش تاریخی-تکاملی	به دسته بندی و بررسی وضع موجود گونه ها پرداخته می شود و احتمال ترکیب های فضایی و شکلی گوناگون را در جهت توسعه آتی در قالب موجودیت الگو، برای آنها منظور می دارد.	شامل تجلی انواع الگو در گونه های پایه و گونه های حاضر در برخوردی روش شناسانه
نگرش زبان-معنایی	با بهره گیری از مفاهیم زبان عناصر به زبان ریاضی در آورده می شود تا ارتباط دستوری میان اجزاء را معرفی کند و با در نظر گرفتن امکان شکل گیری هر گونه بر اساس ساختار کلی زبان به تحلیلی گسترده در باب معنای آنها پرداخته می شود تا کیفیت تحقق هر یک از موارد مذکور را در گونه های موجود تبیین سازد.	الگوهای زبان الگوهای معنا

۴- زبان الگو

بایستی به این نکته اساسی اشاره کرد که اگر در فرآیند طراحی فضاهای شهری یا معماری به الگوها التفات نشود، این طراحی توان آن را ندارد که با کاربران طرح ارتباط برقرار کند. این امر می‌رساند که الگوها دارای زبان مشترک در ذات خویش هستند که به مثابه عنصری ارتباطی با انسان در طراحی فضا بشمار می‌آیند. (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵)

جدول ۲: مقایسه زبان الگو و زبان طبیعی، الکساندر، ۱۳۸۹

زبان الگو	زبان طبیعی
الگوها	واژه ها
الگوهایی که روابط بین الگوها را معین می کنند	قواعد نحوی و معنایی که روابط را معین می کنند
بناها و مکان ها	جملات

هر شغلی یک زبان دارد. بنا، معمار، نقاش و غیره هر کدام با زبان خودشان با محیط و مردم ارتباط برقرار می‌کنند. هر خطی که در طراحی شهری می‌کشیم دارای فلسفه‌ای در ورای آن است که این فلسفه همان زبان است. هر قسمتی از فضا را تغییر

1. Alexander, 1977

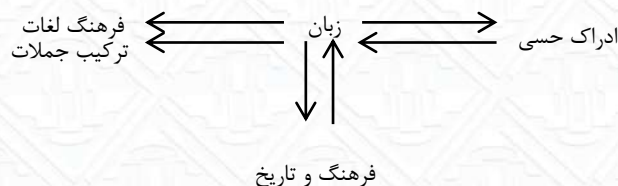
2. Ishikawa, 1977

دهیم، زبان آن نیز تغییر می‌کند. مثلاً در یک اتاق خالی اگر چند قفسه کتاب قرار دهیم این تغییر، محیطی را ایجاد میکند که با زبان خود به ما می‌گوید اینجا می‌تواند یک کتابخانه باشد. یعنی با تغییر فضا زبان آن نسبت به حالت قبل که اتاق خالی بود و به ما می‌گفت اینجا هیچ خبری نیست متفاوت شد. طراحی شهری نظامی متشکل از نشانه‌هاست که با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند و مفاهیم و معانی‌ای را به وی منتقل می‌کند.

۵- زبان شهر

شهر یک سخن است و این سخن حقیقتاً یک زبان است. شهر با ساکنان خود سخن می‌گوید، ما با شهرمان، شهری که در آن هستیم سخن می‌گوییم. صرفاً با زندگی کردن در آن، با پرسه زدن در آن، با نگاه کردن به آن. (اهری، ۱۳۸۵) شهر، صاحب یک نظام تداعی معانی دارای حیات و سیال در بستر زمان است و در طول دوران از هر گونه نگاه شیء گونه به خود سرباز زده است. هر شهر در پهنه کره خاکی دارای زبان خاص خویش است و برای درک آن چاره‌ای جز هم‌زمانی با آن نیست؛ در حالی که حرفه‌مندان در مدارس شهرسازی فقط یک گویش را می‌آموزند که آن را هم بیشتر شهرها و شهروندان در نمی‌یابند. نتیجه این ناهم‌زمانی، توفیق نیافتن طرح‌های شهری، انزوای شهرسازان و ایراد اتهام به زبان نفهمی شهر و شهروندان از جانب شهرسازان بوده است.

برای اینکه ارتباط زبان با شهری که دائماً در حال دگرگونی است را بیان کنیم نظر فیلسوفان مختلفی همچون والتر بنجامین و لودویگ ویتگنشتاین و رولان بارت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نظر این فیلسوفان این است که شکل شهر رابطه تفکیک‌ناپذیری با شکل و قالب‌های متنوع زبان دارد. از نظر بنجامین، ترجمه کردن درواقع نقطه تلاقی زبان‌ها و شبیه به کارکرد فضای مبهم معماری بازار در شهر است. مقایسه بنجامین بین ترجمه و بازار، رابطه زبان با حرکت و جابجایی در شهر را تداعی می‌کند. در مقابل ویتگنشتاین فلسفه بنا شده بر روی عادی بودن کاربردهای زبان را تکوین و گسترش می‌دهد. (ماروک، ۱۳۹۰)



شکل ۱: ارتباطات زبان، دادور، ۱۳۸۹

در ابتدا به نظر می‌آید که زبان‌ها ترجمه‌پذیرند. مثلاً در امور فرهنگی که ماده آن کالبد و تمدن است، و همچنین بسیاری از عناصر شهری از فرهنگی به فرهنگی دیگر معادل‌زبانی ندارند بنابراین تنها شکل و کالبد است که مفاهیم را در دو فرهنگ مختلف مورد شناسایی قرار می‌دهد. پس در واقع بین ما و متن، بین ما و تحلیل معانی، بین ما و عناصر طراحی (شهری و معماری)، بین ما و کتابی که ترجمه می‌شود پرده‌ای است که می‌توان گفت آن پرده بین ما و واقعیت است و در نتیجه رابطه ما با متن اصلی مشکل‌تر می‌گردد. بنابراین در شهرسازی هم نمی‌توان به صرف اینکه عکس مشاهده نمودیم یا طرحی از شهر را نگاه کردیم و یا حتی فیلم آن شهر را دیدیم بتوانیم فضاها و محیط آن شهر را بیان کنیم و تحلیل نماییم. و هرگاه حقیقت با واقعیت یکی شد می‌توان گفت بیان ما ناشی از درک صحیح فضاهای شهری است. و توجه به معناشناسی و زبان است که به ما می‌گوید هر فضایی دقیقاً محیط خاص خود را خلق نمی‌کند و متقابلاً محیط‌هایی را مشاهده می‌کنیم که فضای شهری را تغییر می‌دهد و تطابقی با فضا بوده است. (دادور، ۱۳۸۹)

جدول ۳: ویژگی های زبان و ارتباط آنها با شهر، مأخذ: نگارنده

ویژگی ها	در زبان	در شهر
دلبخواهی بودن	رابطه ای غیرطبیعی بین صورت و معنا	رابطه بین کالبد و معنا (عملکرد)
دوگانگی ساختاری	توالی واحدهای بی معنی ولی تمایز دهنده معنایی و تجزیه زبان به تکواژه و واژه	دو رویکرد استقرایی (از جزء به کل) و قیاسی (از کل به جزء) در مواجهه با شهر
زبایی و خلاقیت	نظام زبانی که کودک را قادر می سازد از تعداد محدودی عناصر و واژگان تعداد نامحدودی جمله بسازد و بفهمد	انسان با استفاده از الگوهای یکسان قادر است تعداد نامحدودی شهر متفاوت از هم ایجاد کند (وجود زبان الگوهای متنوع)
مرزبندی	یک علامت زبانی می تواند مشخصات متمایزی داشته باشد بدون اینکه بین این مرزها درجه بندی مداومی وجود داشته باشد	عناصر شهری هر کدام مشخصات متمایز از یکدیگر دارند
معنامندی	توانایی انتقال معنا را دارد. زبان می تواند هر معنایی را به شنونده منتقل نماید	هر شهر معنایی را به بیننده منتقل می نماید
جابجایی	به کمک این خصوصیت می توان به زمان های گذشته و آینده و مکان های متفاوت اشاره کرد	شهرها گویای وقایع تاریخ هستند
دوسویگی	هر گوینده یا فرستنده علامت زبانی می تواند در موقعیتی دیگر شنونده یا دریافت کننده آن علامت باشد	ارتباط متقابل شهر با مخاطبش
خودپالایی	مبتنی بر ویژگی دوسویگی است. هم گوینده و هم شنونده می توانند گفته ها و شنیده های خود را کنترل و تعدیل هایی در آنها ایجاد نمایند.	شهر می تواند بر اساس مخاطبانش تغییراتی در فرم و عملکرد داشته باشد
وابردگی	تأثیرات و پیام های فیزیکی زبان گوینده رابطه مستقیمی با پیامدهای آن در رفتار شنونده ندارد	شهر در رفتار بیننده خود تأثیر می گذارد و با آن رابطه دارد (مستقیم و غیرمستقیم بودن آن مهم نیست)
آموختاری فرهنگی	زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود	شهرها از نسلی به نسل دیگر پایدار می باشند
قابلیت یادگیری	انسان آنچه را از اجداد و نیاکان به عنوان زبان به جای مانده است به خوبی یاد می گیرد	انسان آنچه که از اجداد و نیاکانش از ساخت شهر به جای مانده به خوبی یاد می گیرد
قابلیت بازتابی	زبان انسان را قادر می سازد که از زبان برای اشاره به خود استفاده نماید	شهر انسان را قادر می سازد که از شهر برای اشاره به خود استفاده نماید. مثلاً من اصفهانی هستم!
قابلیت بازی	مبتنی بر ویژگی جابجایی در آن است. بر اساس آن می توان فراتر از واقعیت موجود سخن گفت.	از شهرهای دیروز می توان برای شهرهای امروزمان پند بگیریم

۶- مسائل خاص شهرهای ایرانی

این مسائل شامل مسائل کالبدی، اقلیمی، اقتصادی، حقوقی و غیره می شود. این مقوله از آن جهت قابل بررسی است که طراحی شهری در کشورهای غربی برای حل مسایل خاص آن کشورها مطرح شد و در نتیجه راه حل ها مختص شرایط و مسایل شهرهای آن ها بوده است. به عنوان مثال اینکه نظریه ای پاسخگوی شرایط کنونی کالبدی در ایران بوده یا خیر مقوله ایست که باید در عمل مورد آزمایش قرار گرفته باشد، در غیر این صورت ارزیابی آن باید از طریق معیاری خاص صورت پذیرد. چون شهرهای ایرانی دارای مسائل گاهاً متفاوت با شهرهای غربی هستند بنابراین بررسی پاسخگویی نظریات به مسایل کالبدی خاص ایران مقوله بسیار پراهمیتی است. (فروغمنداعرابی و خبازی، ۱۳۹۱) علاوه بر این با توجه به شرایط اقلیمی خاص در ایران توجه به این مقوله در نظریات بومی بسیار با اهمیت است. پرداختن صرف به موضوع اقلیم ایران به معنی بومی سازی نظریه نیست. این در واقع گامی برای مناسب سازی نظریات غربی برای ایران است.

۷- ویژگی مناطق گرم و خشک

بررسی شهرهای کویری ایران، همچون یزد، کرمان و کاشان نشان می دهد که ویژگی های کالبدی بخش های تاریخی و سنتی شهرهای مزبور به میزان قابل توجهی با یافته های علمی جدید تطابق دارند. چنین به نظر می رسد که هماهنگی،

محصول فرآیندی طولانی از آزمون و خطاهای مکرر بوده که در طی تاریخ و در جریان طراحی و ساخت ابنیه و بافت‌های شهری به وقوع پیوسته است. (گلکار، ۱۳۷۹)

۷-۱- منطق شکل و فضای معماری و بافت شهر در برابر مسائل آب و هوایی

در بررسی ترکیب معماری و بافت شهرها و روستاهای نواحی گرم و خشک، به این مورد مهم پی می‌بریم که، عامل آب و هوا در شکل منطقی دادن به بافت شهرها و ترکیب معماری این نواحی نقش عمده‌ای داشته و مسائل آب و هوایی همیشه به صورت مشکلات حاد برای مردم این نواحی مطرح بوده است. این مشکلات در طول هزاران سال مردم را به یافتن راه‌حلهایی هدایت نموده، که به طور حیرت‌انگیزی جنبه‌های آزاردهنده آب و هوایی را کم می‌کند و از جنبه‌های راحتی بخش آن بهره می‌گیرد. (توسلی، ۱۳۸۱) مشکلات عمده‌ای که مردم نواحی گرم و خشک را به چاره‌جویی واداشته، چنین بوده: آفتاب سوزان و گرمای زیاد، درجه حرارت بالا در روز و پایین در شب، تابستان‌های خیلی گرم و زمستان‌های خیلی سرد، هوای خشک در نتیجه کمی بارندگی و کم‌آبی، و وجود طوفان‌های پر گرد و خاک و گرم و احياناً شنی.

۷-۲- ویژگی‌های کالبدی

منظور از کالبد، آن بخش تاریخی و مربوط به گذشته شهرهاست که سبک معماری خاص و فضاهای شهری خاصی را شامل می‌شود. کالبد شهرهای تاریخی به عنوان تبلور فرهنگ و بخشی از دارایی و ارزش بومی باید مورد بررسی قرار گیرد. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۱) همچنین به این اصول باید توجه نمود که میان فضاهای شهری در فرهنگ‌های مختلف تفاوت اساسی وجود دارد. چنانکه جلوه تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی و اقلیمی به صورت درونگرایی معماری ایرانی در برابر برونگرایی معماری غربی به نتایج متفاوتی در شکل فضاهای شهری به مفهوم فضای عمومی انجامیده است. درواقع این خصوصیت درونگرایی معلول عوامل فرهنگی-اجتماعی و نیز اقلیمی است و نباید تنها آن را ناشی از عامل آب و هوایی و اقلیمی مناطق گرم و خشک بدانیم. (توسلی، ۱۳۸۱)

۷-۲-۱- محلات، مراکز محلات

شهر تاریخی به مثابه یک کل مرکب از اجزاء به صورت محلات و مرکز شهر شامل بازار بوده است. هر محله به صورت واحدی اداری، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و دینی جزئی از شهر محسوب می‌شده است. محلات شهر سکونتگاه صاحبان حرف و مشاغل خاص، اقلیت‌های دینی و طبقات اجتماعی مختلف بوده‌اند. از نظر کالبدی و فضایی مجموعه شهر، محلات و مرکز شهر ترکیبی متحد و متجانس ایجاد می‌کرده‌اند. تعداد محلات شهر بسته به بزرگی و کوچکی شهر تفاوت داشته است. (توسلی، ۱۳۸۱)

۷-۲-۲- مسجد جامع

اسلام در آغاز عنصر پر اهمیت و مشخصی را به شهر افزود. این عنصر یعنی مسجد جامع به صورت مهمترین رکن مذهبی شهر درآمد. مسجد جامع از نظر فضایی معمولاً در ارتباط قوی با سایر عناصر مرکز شهر قرار داشته است. علاوه بر اهمیت مسجد جامع به مثابه یک مرکز پر اهمیت تصمیم‌گیری اجتماعی-سیاسی در تاریخ شهرهای ایران باید از ارزش‌های فضایی آن نیز نام برد. (توسلی، ۱۳۸۱)

۷-۲-۳- میدان، تکیه، حسینیه

در ترکیب ساختار فضایی شهر در مسیر گذرهای اصلی، فضاهای شهری به صورت میدان، تکیه و حسینیه و حیاط مساجد (جامع) قرار داشته‌اند. این فضاها به ویژه در ایام سوگواری محرم و اعیاد مذهبی از تحرک خاصی برخوردار بوده‌اند. (توسلی، ۱۳۸۱)

۴-۲-۷- بازار شهر

بازار در مجموعه ساخت شهر مرکز عمده اقتصادی و مالی به شمار می‌رفته که در آن سیستم عمده فروشی و خرده فروشی و مؤسسات مختلف از جمله مؤسسات مالی مستقر بوده است. این مرکز در واقع مرکز کنترل سیستم اقتصادی و مالی به حساب می‌آمده است و عناصر عملکردی ویژه‌ای مانند منزلگاه‌ها، کاروانسراها، تیمچه‌ها و قیصریه‌ها را در خود جای می‌داده که خاص سیستم اقتصادی ویژه بازار بوده‌اند. از نظر کالبدی بازار یا به صورت خطی و یا گسترده، مرکب از راسته‌های متعدد معمولاً در رابطه فضایی با مسجد جامع قرار داشته است. (توسلی، ۱۳۸۱)

۵-۲-۷- ارگ شهر

در مجموعه ساخت شهر، ارگ جایگاه مرکز حکومتی و معمولاً به صورت عنصری بسته شامل دیوانخانه‌ها و مقر عمده نظامیان در شهر بوده است. (توسلی، ۱۳۸۱)

۳-۷- ویژگی‌های فرهنگی

شهرسازی و معماری همانند هر ساخته و پرداخته انسانی یک امر فرهنگی است. به همین دلیل، هر فرهنگی دارای ویژگی‌های شهری خاص خود است. بنابراین جای تعجب ندارد که فرهنگ‌ها با توجه به خصوصیات فکری و دینی، تاریخی و اجتماعی همچنین اقلیمی، شهرسازی خاص خود را دارند. به عبارت دیگر، زیبایی شناسی شهر و معماری هر جامعه‌ای برخاسته و برگرفته از باورها و تخیلات آن جامعه بوده است. نقش فضا به ویژه فضای شهری و معماری آنقدر در شکل‌گیری ذهنیت، شخصیت و هویت انسانی و فرهنگی اساسی است که امروزه بیش از هر زمان دیگری بر آن تاکید می‌شود و حتی رویکردهای تازه‌ای برای مطالعه آن به طور مثال در ادبیات و هنر همچون نقد جغرافیایی، نقد محیط زیستی و نقد فضایی در این دهه‌های اخیر مطرح شده است. به عبارت دیگر، شهر شرقی انسان شرقی و شهر غربی انسان غربی پرورش می‌دهد. بر همین اساس، شهر در معنای ایرانی-اسلامی دارای ویژگیهای خاص خود است. نه فقط زیبایی شناسی و کارکرد ویژه خود را دارد بلکه در مسائل دیگر همچون چگونگی تعامل با طبیعت نیز دارای نگرش مخصوصی است. طبیعت در این شهر و در این معماری حضور دارد، بادگیرها، سردابها، اوریسیها، آفتاب نشینها و ...

۸- مقایسه بین شهرهای گذشته و امروزی

اگرچه تاریخ سکونت در ایران به بیش از ده هزار سال می‌رسد، ولی پیشینه‌های تمدن شهری آن معرفی نشده است. خصوصیات شهرنشینی و شهرسازی ایران، علی رغم غنای خود، همانند خلاقان، طراحان و برنامه ریزان آنها، به صورت گمنام باقی مانده است. شهرها برای استمرار حیات خود، علاوه بر موقعیت مناسب، به شرایط مساعد طبیعی، ارتباط فرهنگی و اجتماعی و حیات اقتصادی نیاز دارند. این موارد با توجه به شرایط گوناگون محیطی در ایران (اقلیم و معیشت، فرهنگ و سنت) به نحو شایسته ای به هم تنیده شده است. در ارتباط با عوامل طبیعی، شهرهای سنتی ایران، خود را به نحوی با محیط مطابقت داده است که گویی خود محیط می‌باشد. اگرچه دانش فنی به نسبت زمان، شرایط ویژه خود را داشته، ولی شهرسازی گذشته، فنونی بس شگرف را در استفاده مطلوب از طبیعت ارائه کرده است. (شیعه، ۱۳۷۸)

شهرسازی سنتی ایران، در مقام مقایسه به شهرسازی عصر حاضر، از نظر محتوایی نه تنها چیزی کم نداشته و ندارد، بلکه نکاتی عمیق‌تر و افزون‌تر را بر شهرسازی پیشرفته دنیا در بر می‌گیرد. عناصر شهر ایرانی با شهرسازی نوین قابل مقایسه است. تنها عامل افتراق در دانش فنی و نیاز زمان و تحول آن است. در شهرسازی سنتی، بازار به عنوان یک عامل اقتصادی، ستون فقرات شهر و هسته شهرها را تشکیل می‌دهد و در عین حال می‌توان نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را در چهره و سیمای آن مشاهده کرد. در مقابل این پدیده در شهرهای امروزی دنیا پدیده‌هایی مانند سوپرمارکتها و فروشگاه‌های

زنجیره‌ای و سلسله مراتب پخش آنها در سطح نواحی و محلات شهر شکل گرفته و جنبه‌های تجاری و اقتصادی داشته و فضای اجتماعی در آن قابل ملاحظه نیست. این پدیده‌ها نمی‌تواند جای بازار را با تمام ویژگی‌های آن پر کند. (شیعه، ۱۳۷۸) شهر ایرانی، پیشینه‌ای با شکوه و تحسین برانگیز دارد. شهر اول با نگاهی آسمانی و مبتنی بر جهان بینی غالباً توحیدی ایدئولوژی‌های عرفانی و خصوصاً پس از ورود اسلام به ایران، با آمیزه‌ای دینی شکل می‌گیرد. شار یعنی همان شهر سنتی ایرانی، تابع عوامل مذهب، حکومت، تجارت و امت بوده است. این عوامل در کالبد شهرها تبلور یافتند. (جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۲۷۷)

شهرهای قدیمی‌تر (به استثنای چند نمونه برنامه ریزی شده در مقیاس نسبتاً کوچک)، بطور تدریجی رشد کرده‌اند و هیچ‌گونه نقشه طراحی شده قبلی برای توسعه آنها وجود نداشته است. این شهرها خودسازمانده بوده و مقیاسی انسانی از توده و فضا، سرعت حرکت و تعاملات اجتماعی را منعکس می‌کنند. خیابان‌ها از کوچه‌های پرپیچ و خمی که از میان مزارع رد می‌شدند بوجود می‌آمدند. فضاهای عمومی، از میدان‌های تشریفاتی گرفته تا بازارها و میدان‌های محله‌ای، سلسله مراتبی ساختاری را ایجاد می‌کنند که به درون حیاط‌ها و باغ‌های املاک خصوصی نیز ادامه می‌یابد. (بل، ۱۳۸۲: ۳۶۶) به دلیل تفاوت شرایط زمان گذشته با امروز، در نظر داشتن آن تفاوت‌ها می‌تواند فوایدی را در بر داشته باشد. ما در جستجوی رابطه‌ها نباید سعی کنیم که هر چیزی را به معانی ثابت و ازلی ارتباط دهیم، بلکه تفاوت‌های میان گذشته و امروز به ما امکان می‌دهد که آنچه تاکنون به طور غیرارادی انجام می‌شد بخشی از وجود خود ما گردیده و تجربه جدیدی از معنی به دست آوریم. (موگروثر، ۱۳۸۰: ۱۹)

۹- زبان الگو در شهرسازی سنتی ایران

پدید آمدن بنا از سلسله‌ای از الگوها به سهولتی نامنتظر رخ می‌دهد، بنا، همچون جمله در هنگام سخن گفتن، خود را می‌سازد. و این در ذهن افراد عادی به همان سهولتی رخ می‌دهد که در ذهن سازندگان. هر کس، اعم از اینکه سازنده باشد یا نباشد، می‌تواند خودش این کار را برای خود انجام دهد و بنایی را به وجود آورد. (الکساندر، ۱۳۸۹) حال می‌خواهیم ببینیم چطور همین جریان می‌تواند به شهر نیز گسترش یابد. رشد شهر نه زاده ذهن یک تن است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون‌ها میلیون فعالیت منفرد ساختن است. از کجا می‌توان مطمئن شد که شهری که از این فعالیت‌های کثیر متفرق به دست می‌آید کل منسجم باشد و آشفته و در هم ریخته و نامنسجم نشود؟ پرسش این است که این ساختار چگونه پدید می‌آید؟

الکساندر برای جواب دادن به این پرسش، آن را با پرسشی که در نخستین سال‌های علم زیست‌شناسی مطرح شد مقایسه می‌کند. «اندام زنده چگونه تکوین می‌یابد؟» در ابتدا زیست‌شناسان معتقد بودند که باید طراح نهایی‌ای در کار باشد. اما امروزه معلوم شده است که اندام زنده فقط با تعامل یاخته‌هایش به هدایت رمزهای ژنتیک تکوین می‌یابد. در مورد شهر نیز همین قضیه صادق است. روزگاری مردم معتقد بودند که شهر را باید شهرساز طراحی کند. به رغم این همه شواهد آشکار از شهرها و روستاهایی که در جوامع سنتی بدون طرح جامع شاخته شده است، این باور بدیهی تلقی شد و مردم از خودشان سلب اختیار کردند. (الکساندر، ۱۳۸۹)

در اندام در حال رشد لحظه‌ای نیست که پایان یا هدف باشد و یک جریان تحولی در کار است. این جریان در دقیقه‌های بعدی و بعدی تکرار می‌شود و الگوهای لازم اندک اندک و ناگزیر به وجود می‌آیند. در شهر نیز باید همین کار صورت گیرد. فقط با این تفاوت که در شهر، کنش‌های شیمیایی جای خود را به آگاهی مردم از الگوهای کلامی می‌دهد که قوانین رشد را فراهم می‌کنند. در پایین‌ترین مرتبه، هر فرد مالک فضای خصوصی خود است و متناسب با نیاز خود، مسئول کمک به ایجاد الگوهای آنجاست. خانه‌ها تک تک عمل می‌کنند تا الگوهای بزرگ‌تری را پدید آورند که مجتمع به آنها نیاز دارد. مجتمع‌ها با هم عمل می‌کنند تا الگویی را پدید آورند که محله به آنها نیاز دارد. محله‌ها با هم عمل می‌کنند تا الگوهایی را پدید آورند

که جامعه به آنها نیاز دارد. جوامع با هم عمل می‌کنند تا الگوهایی را به وجود آورند که کل شهر به آنها نیاز دارد. (الکساندر، ۱۳۸۹)

زبان مورد نظر ممکن است بسیاری از معانی واژگان و قواعد و شیوه‌های به کار رفته در شکل‌گیری شهرهای سنتی را در بر داشته باشد. در حالی که استفاده از این اجزاء و نحوه ترکیب آنها به علت مواجهه با خصوصیات شهرهای جهانی و نیازهای امروزی در مجموع ممکن است متفاوت از گذشته باشد. زبان شکل‌گیری شهرهای سنتی ایران بطور طبیعی و شهودی در حین شکل‌گیری و توسعه آنها ابداع شده بود و به همان صورت شهودی نیز به کار گرفته می‌شد ولی چون مدون نگردید نهایتاً در پی تحولات اجتماعی-اقتصادی برون‌زا (با تشکیل دولت پهلوی در سال ۱۳۰۴ ه.ش و تبعات آن در قرن اخیر) به شدت دچار دگرگونی شد و ویژگی‌های متداوم مثبت و قابل استفاده آن نیز فراموش گردید (فریادی، ۱۳۸۱)

۹-۱- ساختار زبان الگو در شهرسازی سنتی ایران

فضاهای تاریخی موفق درواقع موفقیت خود را مرهون بهترین راه کار موجود میان نیروهای متضاد در شهر (شاه و رعیت، مرید و مراد، ایده و ماده و ...) هستند. به همین خاطر برای درک شهر و فضاهایش می‌باید شرایط ذهنی دوره‌های مختلف آن را شناخت و لمس کرد؛ می‌باید فهمید که امکانات و محدودیت‌های ذهنی آن دوره‌ها چه بوده و دستاوردها تا چه اندازه نیازهای مادی و معنوی زمان خود را پاسخگو بوده است. نه تاریخ تکرار می‌شود و نه می‌توان بر پایه نیازها، اهداف و خواست‌های ساکنین یک دوران، برای شهروندان دوران دیگر برنامه‌ریزی کرد و ساخت. (پاکزاد، ۱۳۹۰) آنچه در بررسی تاریخ شهر مهم است، الگوبرداری و تقلید از گذشته نیست، بلکه شناخت و درک کوشش‌های فراوانی است که در شرایطی سخت‌تر و امکاناتی بس محدودتر از امروز، محیط‌های زندگی به نسبت مناسبی را برای خود ترتیب داده‌اند.

شهرهای سنتی بدانگونه رشد می‌یافتند که با مطرح شدن نیازهای تازه امکان عرضه فعالیت‌های جدید در ساختار شهری فراهم می‌شد و ساخت کالبدی-فضایی شهری با گذشت زمان شکل می‌گرفت. با نگاهی به ساختار شهرهای سنتی می‌توان دریافت که هر مداخله در ساختار شهر سنتی بر مبنای نیازهای شهروندان شکل می‌گرفت. مرحوم پیرنیا این اصل را در معماری ایران، "مردم‌واری" می‌داند، چنانچه بناهای سنتی بر اساس مقیاس‌های انسانی شکل می‌گرفت. از دید استاد پیرنیا، مفاهیمی در معماری اسلامی دیده می‌شد که می‌بایست در ساختار شهری کاربست یابد. این قواعد عناصر شکل‌دهنده به الگوهای معماری هستند که کاربست بی‌بدیل آنها باعث شکل‌گیری فضاهایی منعطف و پاسخگو به شهروندان و نیازهای آنها در شهرسازی و معماری سنتی بشمار می‌آید. (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵)

جدول ۴: قواعد "پیرنیا" در معماری سنتی، مأخذ: محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵

قواعد الگوهای سنتی		تعاریف و مفاهیم
۱	مردم‌واری	رعایت مقیاس انسانی به شکل مطلوب
۲	خودبسندگی	استفاده حداکثر از امکانات موجود و در دسترس و مصالح بوم‌آورد
۳	پرهیز از بهبودگی	دوری جستن از نصب مجسمه و نقش برجسته و تزئینات مرسوم در سرزمین‌های دیگر
۴	نیارش	ایستایی، مقاومت و پایداری بنا
۵	درون‌گرایی	شکل‌گیری ترکیب بنا به سوی درون حول حیاط مرکزی

۱۰- نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که زبان و نظریه‌های زبانی می‌توانند پایه نظری مناسبی برای تدوین نظریه‌های غیرزبانی در سایر حوزه‌ها و همچنین «شهرسازی» باشند.

منظور از شهرسازی ایرانی یک نظریه جامع است که باید از چند خاصیت مهم برخوردار باشد. اول با توجه به پذیرش اهمیت فرهنگ محلی در شهرسازی و طراحی شهرها، باید خصوصیات فرهنگی را به عنوان مجموعه سیستم ارزشی که در شکل

دهی به شهر تأثیر می‌گذارد در نظر داشته باشد، این خاصیت به مفهوم امکان دخالت دادن پدیده‌های ذهنی در تدوین نظریه انگاشته می‌شود. دوم، نسبت به تفاوت فرهنگ‌ها و سیستم ارزشی در جوامع مختلف انعطاف پذیر باشد یعنی امکان استفاده از این نظریه برای طراحی شهری متناسب با فرهنگ‌های خاص که در اینجا فرهنگ ایرانی مدنظر است وجود داشته باشد. و سوم، به ارائه قوانین تعمیم پذیر برای هدایت طراحی شهری در فرهنگ‌های خاص بپردازد. همچنین فضاهایی که در ساختار شهری وجود دارد تعامل اجتماعی و مراودات شهروندی را به طور مناسب در خود نمی‌پذیرد و تنها کالبدی شکل گرفته از واژگان محدود این زبان، فرم، مصالح و سبک‌های معماری، را رقم می‌زند. تدقیق در این امر نیز ضروری بنظر می‌رسد که دیگر نمی‌توان از طریق دستور زبان امروز که از انعطاف و پاسخگویی به نیازهای شهروندی برخوردار نیست، اصول و نحوه استفاده از فضاهای شهری را به شهروندان، دیکته کرد و هرگونه اقدام مداخلاتی در ساختار شهری باید در چارچوب ادبیاتی مبتنی بر زبان الگوها شکل گیرد تا از اقدامات ناکارآمد و ناشایست که می‌تواند بر وخامت اوضاع شهر بیافزاید، پرهیز شود. (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵) همچنین شهرهای سنتی ما با پتانسیل‌هایی که در آنها وجود دارد زمینه مناسبی برای تدوین زبان الگویی جهت توسعه آتی خود دارند که از آنها می‌توان به عنوان سرمشقی در نقاط مشابه استفاده نمود.

۱۱- مراجع

- ۱- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۸۹، معماری و راز جاودانگی. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه
- ۲- اهری، زهرا، ۱۳۸۵، مکتب اصفهان در شهرسازی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات؛ انتشارات فرهنگستان هنر
- ۳- باطنی، محمدرضا، ۱۳۷۴، درباره زبان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات آگاه
- ۴- براتی، ناصر، ۱۳۸۲، زبان، تفکر و فضا. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- ۵- بل، سایمون. ۱۳۸۲. منظر: الگو، ادراک، فرآیند. ترجمه: بهنام امین زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۵. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ اول، وزارت مسکن و شهرسازی، دبیرخانه شورای عالی و شهرسازی و معماری ایران، معاونت شهرسازی و معماری: نشر شهیدی.
- ۷- توسلی، محمود. ۱۳۸۱. ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. تهران: انتشارات پیام و پیوند.
- ۸- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر. ۱۳۸۶. طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر. تهران: انتشارات شهیدی: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۹- جابری مقدم، مرتضی هادی. ۱۳۸۴. شهر و مدرنیته. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰- خاتمی، محمود، ۱۳۷۸، جهان در اندیشه‌های هایدگر. اندیشه معاصر
- ۱۱- دادور، احمد، ۱۳۸۹، جزوه درس درک و بیان محیط شهری. اصفهان: دانشگاه شیخ بهایی، گروه شهرسازی،
- ۱۲- سامه، رضا، ۱۳۸۵، زبان الگو، سرمشق طراحی (طراحی بر پایه آموزه‌های بومی در محیط). مقطع کارشناسی ارشد؛ ایران، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه معماری، شهرپور
- ۱۳- شیعه، اسماعیل. ۱۳۷۸. با شهر و منطقه در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.



- ۱۴- غفاری، علی. ۱۳۸۱. نظام استقرار و فرم معماری و شهرسازی در توسعه پایدار (نمونه مناطق حاشیه کویر ایران). صفه. شماره ۳۴.
- ۱۵- فروغمند اعرابی، هومن. خبازی، مریم. ۱۳۹۱. ارزیابی تلاش‌های نظری برای بومی‌سازی طراحی شهری در ایران.
- ۱۶- فریادی، شهرزاد، ۱۳۷۹، مقایسه نظریه‌های اساسی زبان‌شناسی به منظور تدوین زبان طراحی شهری محلی (در مکان‌های خاص). هنرهای زیبا. شماره ۸.
- ۱۷- فریادی، شهرزاد. ۱۳۸۱. تدوین زبان طراحی شهری محلی (ایرانی) در فرآیند جهانی شدن (شهرها). مقطع تحصیلی دکتری؛ ایران، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- ۱۸- گلکار، کورش. ۱۳۷۹. طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر. هنرهای زیبا. شماره ۸.
- ۱۹- ماروک، مایکل، ۱۳۹۰، زبان در شهر، زبان شهر. فصلنامه معماری ایران، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- ۲۰- محمودی نژاد، هادی. انصاری، مجتبی. پورجعفر، محمدرضا. تقوایی، علی اکبر، ۱۳۸۵، ساختار زبان الگو در طراحی شهری و معماری: جستاری در ساختار زبان الگو در ادبیات شهرسازی و معماری سنتی. مجله مسکن و انقلاب. شماره ۱۱۵.
- ۲۱- محمودی نژاد، هادی. صادقی، علیرضا، ۱۳۸۸، طراحی شهری: از روانشناسی محیط تا رفاه اجتماعی. تهران: هله: طحان.
- ۲۲- موگروئر، روبرت. ۱۳۸۰. تفسیر محیط: به روش‌های سنتی، ساختارزدایی و هرمنوتیک. ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



شیخ ماکفت...

خدا خیردهاد افضل الدین کاشی را که گفت:

گفتم: همه ملک حسن، سرمایه توست خورشید فلک، چو ذره در سایه توست
گفتا: غلطی! ز ما نشان نتوان یافت از ما تو هر آنچه دیده‌ای پایه توست

فروتنی افلاطون در پیشگاه پروردگار بدین سخنان بود:

ای اصل همه علت‌ها!
ای آنکه همیشه بوده‌ای!
ای آغازگر حرکات نخستین!
ای آن که هرگاه هرچه خواسته‌ای انجام داده‌ای!
تا آنگاه که در جهان طبیعت هستم سلامتی نفسانی را از من مگیر!

*-تهیه و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه شیخ بهایی

شیخ بهائی، محمدبن حسین (۱۳۶۳). کشکول، (ترجمه و شرح فارسی محمدباقر ساعدی خراسانی). تهران: اسلامیه.



بُشر بن منصور، از عابدان بود، روزی نمازش به درازا کشید و چون نگریست مردی را دید که به نشانهٔ خوشنودی در وی می‌نگرد.

او را گفت: آن چه از من دیدی، تو را به شگفتی نیاورد! که ابلیس نیز روزگاری دراز، با فرشتگان به پرستش خدا مشغول بود و سپس، چنان شد، که شد!

ای دل طلب علوم در مدرسه چند؟ تحصیل اصول حکمت و هندسه چند؟

هر فکر به جز ذکر خدا وسوسه است شرمی ز خدا بدار! این وسوسه چند؟

بهلول و «علیان مجنون» به نزد هارون رفتند. رشید با آنان سخن می‌گفت و ایشان به غلط پاسخ می‌دادند. هارون گفت نَطْع^۱ و شمشیر بیاورند. علیان گفت: دو دیوانه بودیم و اینک سه تا شدیم!

ادیبی گفته است: اگر خردمندان انصاف می‌داشتند می‌دانستند که قلم، معنا پرداز است، و برادر نسبیش «نی»، نغمه پرداز است. این یک، تازه‌های حکمت می‌آورد و آن یک، نغمه‌های شگفت. هر دو در طرب انگیزی یگانه‌اند. اما، این یکی با گوش بازی می‌کند و آن یکی با مغز.

به خدا سوگند! تاکنون نشده است که نکته‌ای ادبی بشنوم و سراسر قلبم ابراز شادمانی نکند.

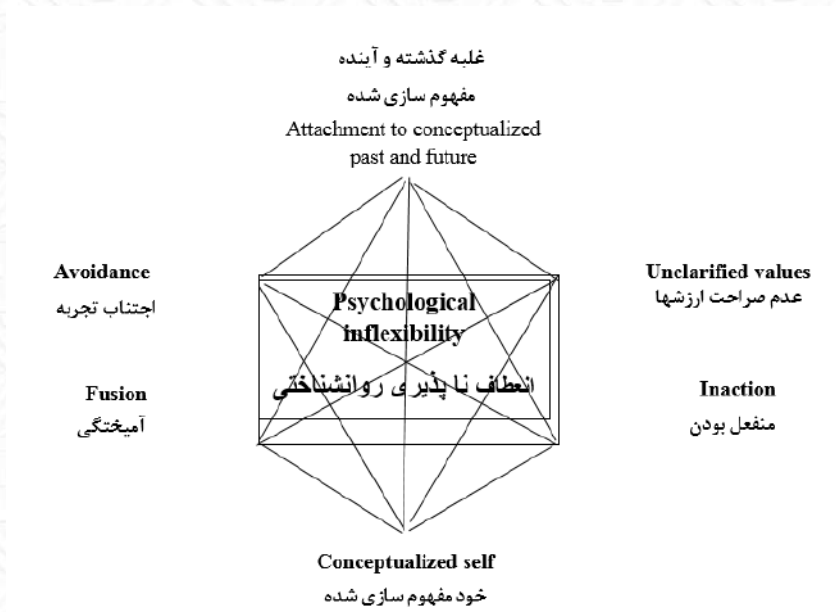
^۱. سفره ای از چرم که سر گناهکار را روی آن می‌بریدند؛ فرهنگ معین.

درمان وسواس با شیوه ACT^۱ درمان مبتنی بر پذیرش و تعهددکتر آزاده آرمان پناه^۲

مقدمه

Act یکی از شیوه های درمانی بین مدرن و فرامدرن است که برای درمان بسیاری از اختلالات کارآیی دارد. جزو درمان های موج سوم رفتارگرایی است. تا قبل از پیدایش درمان های موج سوم، درمان متمرکز بر تغییر بود. ولی در درمان های موج سوم تمرکز از تغییر برداشته شد و به پذیرش رسید. فرد وسواسی باید افکار و احساساتش را همان گونه که هست بپذیرد و تلاشی جهت تغییر و عوض کردن یا جایگزین کردن آنها نداشته باشد. در Act ما چیزی را تغییر نمی دهیم. بلکه به مراجع کمک می کنیم که افکار و احساساتش را بپذیرد. چرا که تلاش برای خلاصی از پریشانی و اضطراب ناشی از افکار و احساسات، مانند دست و پا زدن و تقلا کردن برای خروج از باتلاق است. هر چه بیشتر تلاش کنید بیشتر فرو می روید. در C.B.T ما سعی داریم افکار منفی را شناسایی کنیم و با به چالش کشیدن افکار منفی فرد را به واقع گرایی برسانیم. یعنی تلاش بر این است که مراجع افکار منفی اش را پاک کند و واقعیت را جایگزین نماید. در روانشناسی مثبت گرا ما افکار منفی را پاک کرده افکار مثبت جایگزین می نماییم (یعنی تغییر و جایگزینی). ولی در Act ما افکار را اصلاً مهم نمی دانیم که با آنها چالش داشته باشیم. می گوئیم فکر فقط فکر است، احساس فقط احساس است و نیازی به چالش و تغییر و جایگزینی نیست. این یکی از گام های مهم در Act است. اگر مراجعی بعد از ۲۰ جلسه درمان بگوید هنوز افکار (منفی ام) خوب نشده، می گوئیم قرار نیست چیزی عوض شود. همین که بیمار بگوید با وجود افکار منفی و احساسات منفی می توانم به کارهای مهم و عملکردهای زندگی ام برسم و وقفه ای ایجاد نمی کند می گوئیم درمان شده است.

مدل آسیب شناسی روانی در Act



این شش ضلعی مدل آسیب شناسی در Act است.

^۱. Acceptance and commitment therapy^۲. مشاور مرکز مشاوره دانشگاه شیخ بهائی

در **Act** فرض بر این است که ذهن نرمال هر انسانی فرآیندهای روانی دارد، که ممکن است به رنج و پریشانی منجر شود. ما انسانیم و دارای ذهن، ذهن هم گاهی فکر و احساس مثبت و گاهی منفی می آورد. گاهی ممکن است فکر، احساس، خاطره یا میلی در ذهن بیاید و بهم ریختگی یا **Distress** ایجاد کند. تا این جای کار طبیعی است و برای همه ما پیش می آید. مشکل از جایی شروع می شود که می خواهیم فکر را پاک کنیم، احساس را کنترل یا حذف کنیم، از خاطرهایی اجتناب نمائیم.

فرد سالم می گوید: من کارم را انجام می دهم حتی اگر فکر منفی باشد. فکر من فقط فکر است و واقعیت چیز دیگری است.

فرد بیمار می گوید: من کارم را وقتی انجام می دهم که کاملاً آرام باشم، صد در صد فکر مثبت باشد و هیچ فکر منفی و بدی نداشته باشم.

اجتناب تجربه ای: در اجتناب تجربه ای فرد سعی می کند از رویدادهای منفی دوری کند.

در آمیختگی یا fusion: فرد فکر و احساس اش را با واقعیت یکی می داند، یعنی خودش با فکر و احساسش قاطی می شود و آمیختگی رخ می دهد، که به آن ائتلاف فکر و عمل هم می گویند. تعریفی که فرد از خودش ارائه می دهد خود واقعی نیست، خود مفهوم سازی شده است. مثلاً من باهوشم... من قد بلندم... من کودکانم...

خود منفعل: یعنی فرد بیماری که زندگی اش در راستای ارزشها و اهدافش نیست. فعالیت دارد ولی نه در راستای اهداف و ارزشهایش.

عدم صراحت ارزشها: یعنی فرد ارزشهایش را شفاف سازی نکرده، نمی داند چه می خواهد، ولی می داند این نیست آنچه را که می خواهد و دچار رنج می شود. دچار تعارض است و ارزشهایش شفاف نیست. فرد در گذشته و آینده مفهوم سازی شده زندگی می کند و تمرکزی بر حال ندارد. از زندگی لذت نمی برد و سطح رضایت مندی از زندگی اش و کیفیت زندگی پایین است.

خلاصه ای از مدل آسیب شناسی روانی **Act** مورد مطالعه قرار گرفت.

برآیند این شش ضلعی و عمل کردن مطابق آن، **عدم انعطاف پذیری روان شناختی** است.

کسی که مطابق این مدل رفتار کند سلامت روانی ندارد و بیمار است.

در **Act** ما از استعاره زیاد استفاده می کنیم. استعاره یا حکایت (**narration**) یعنی داستان هایی که ساخته ایم یا ساخته اند و شاید بخشی از آن هرگز اتفاق نیافتده باشد. در فرهنگ ما به استعاره حکایت می گوئیم.

چرا استعاره ؟

استعاره ها به سه دلیل در **Act** اهمیت دارند.

۱ - چون نهی کننده نیستند مراجع نسبت به آن مقاومت نشان نمی دهد.

داستان است. مراجع به خوبی آنها را حس می کند و می داند پاسخ خوب یا بدی به آنها وجود ندارد.

۲ - استعاره ها اشکال منطقی رفتار کلامی نیستند بیشتر شبیه عکس هستند.

آنچه که دوربین استعاره شکار می کند در یک بحث منطقی اصلاً حاصل نمی شود.

۳ - استعاره ها به راحتی یادآوری می شوند و در بسیاری از موقعیت هایی غیر درمانی (غیر از جلسه درمان) استفاده

می شوند. و این برای تغییر رفتار به صورت گسترده خیلی مؤثر است. استعاره ها موتور فرد را روشن می کند، موتورش را زمین نمی گذارد.

استعاره شبیه سازی شده زندگی فرد نیست. کنایه و نصیحت هم نیست. Story و Metaphor با هم متفاوت‌اند. مثلاً می‌خواهید از کسی بپرسید، دیگری را می‌شناسد یا نه؟ می‌توصیف می‌کنید و می‌حرف می‌زنید، اگر به جای این‌ها عکسی نشان بدهید خیلی راحت‌تر به هدف می‌رسید.

مثلاً استعاره دو کوه برای رابطه بین درمانگر و درمانجو. رابطه بین آنها معلم شاگردی یا دکتر و بیمار نیست. بلکه دو نفرند که با هم و در کنار هم از دو کوه بالا می‌روند. هر کدام نقاط ضعف مسیر دیگری را بهتر می‌بینند. در رویکرد Act سلامت روانشناختی یعنی توانایی زندگی کردن طبق ارزشهای انتخاب شده و همزمان با آن فرد با افکار، خاطرات و احساسات بدنی و عواطف خود تماس غیر دفاعی دارد. علامت اختصاری Act به این گام‌های اساسی اشاره دارد:

اقدام کن، انتخاب کن، بپذیر

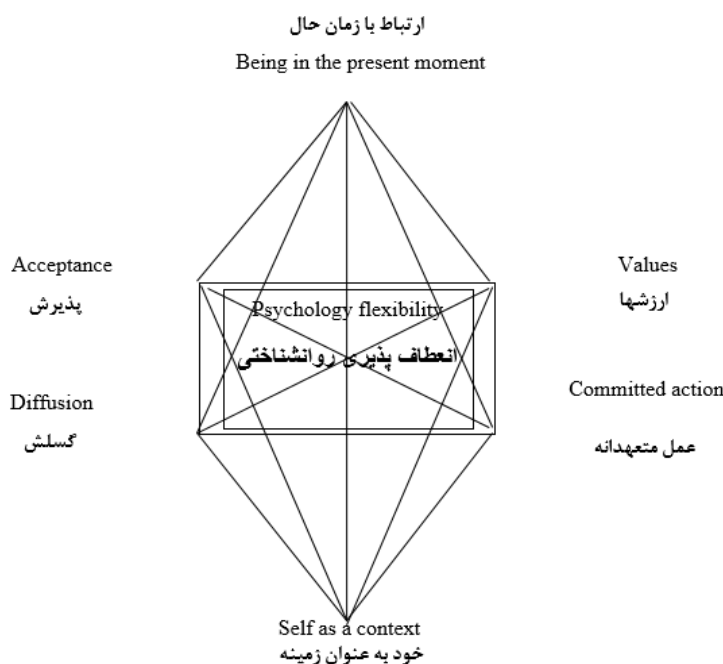
Accept, chose, take action

در این دیدگاه سلامتی یک حالت نیست، بلکه فرآیند تغییر در حوزه پذیرش و عمل ارزشمند است. انسان همواره آموخته است که برای خلاصی و رهایی از بسیاری مشکلات به حل مسئله یا (problem solving) روی آورد. مثل مقابله با ترس از آتش، دوری کردن یا اجتناب از آن. احساس ناراحتی از سرما متوسل شدن به وسایل گرما بخش (دنیای بیرون) ولی این شیوه (حل مسئله) برای افکار، احساسات، خاطرات و عواطف ما کارآیی ندارد. چون دنیای ذهن دنیای درون است و قوانین دنیای درون با قوانین دنیای بیرون متفاوت است. قانون دنیای بیرون ← از هر آنچه درد و رنج تولید می‌کند دوری کن (اجتناب کن) و یا با شیوه حل مسئله، مشکل را حل کن.

شیوه‌های حل مسئله ← (اجتناب، کنترل، حذف) که در دنیای بیرون کارآیی دارد. قانون دنیای درون ← از هر آنچه موجب درد و رنج می‌گردد و شما را آزار می‌دهد فرار نکن، اجتناب نکن، کنترل نکن، حذفش نکن... بلکه به آن تمایل داشته باش و گرنه به آن دچار می‌شویم. (willingness)

سیر درمان در Act

کل درمان Act در این شش ضلعی خلاصه می‌شود.



شش ضلعی درمسیر درمان

در این شش ضلعی کل درمان Act در نظر گرفته شده است. اگر آن را از وسط دو نیم کنیم سمت چپ قسمت پذیرش و ذهن آگاهی است و سمت راست قسمت تعهد و تغییر رفتار است، که خود به عنوان زمینه و در زمان حال بودن در هر دو قسمت مشترکند. درمان Act شیوه ای بسیار جالب است و می توان گفت راه میان بر است. و برای افراد عادی هم بسیار کارآیی دارد. تا سطح کیفیت زندگی شان را بهبود بخشند. هدف Act کاهش نشانه نیست، هدف ایجاد زندگی غنی و با معنا در عین پذیرش دردی است که با آن پیش می رود. این نوع خاص تغییر رفتار منجر به انعطاف پذیری روانشناختی می شود.

زمان بندی درمان

در Act هیچ برنامه زمان بندی خاصی وجود ندارد، تعداد جلسات کاملاً به شرایط و موقعیت مراجع بستگی دارد. تقریباً ۱۶ ساعت حد متوسط درمان است که کاملاً پیشنهادی است. بیشترین زمان بندی و تمرکز ما روی جلسات مربوط به تعیین ارزش ها و رتبه بندی آنها اهداف، اعمال و موانع می باشد.

پکیج درمانی Act

فرض، بر این است که تشخیص وسواس در مراجع با استفاده از شیوه های معتبر و علمی انجام شده است و تشخیص وسواس را قطعی می دانیم. حال به درمان وسواس می پردازیم.

جلسه اول

جلسه اول: رابطه درمانی بین درمانگر و درمانجو کاملاً برابر است، یعنی این دو در کنار هم یک مسیر را طی می کنند و استعاره دو کوه به فهم این مطلب کمک می کند. بیمار و درمانگر هر دو از کوه کنار هم بالا می روند، هیچ کدام جلوتر و یا بالاتر نیست. در زاویه دید هر کدام مسیر و موانع موجود در مسیر دیگری بهتر مشاهده می گردد. بعد از برقراری رابطه درمانی مناسب جلسه اول درمان با ایجاد درماندگی خلاق آغاز می گردد. در این مرحله مراجع می فهمد هر کاری تا کنون برای رهایی انجام داده است نه تنها درمان و بهبودی نبوده بلکه نوعی گیر افتادن در باتلاق وسواس است.

در این جلسه هم چنین باید به مراجع بفهمانیم تفاوت بین تمیزی و وسواس در چیست؟ از خود او سوال می کنیم و جواب را کامل می نمائیم. و دست روی نکته مهم جبری بودن در وسواس می گذاریم.

به او می گوئیم که چقدر افکار وسواسی اذیت کننده است. در سنجش قبل از درمان ما افکار وسواسی و اعمال وسواسی مراجع را بیرون کشیده و در دفتری یادداشت می گردد.

از روی همان لیست برای او مدل وسواس را می کشیم (که در شناختی رفتاری هست) و توضیح می دهیم. و همچنین این که عمل وسواسی به چهار شکل خود را نشان می دهد. ۱ - تکرار ۲ - اجتناب ۳ - اطمینان طلبی ۴ - آئین وسواسی برای هر کدام هم مثال هایی از وسواس خودش می زنیم.

تکلیف جلسه اول را به او می دهیم. از او می خواهیم دفتری داشته باشد و در این هفته تمام افکار وسواسی و اعمال وسواس خود را یادداشت کند. و در چنین جدولی بنویسد.

موقعیت	فکر وسواس	عمل وسواسی

**جلسه دوم**

واکنش‌های مراجع را راجع به جلسه قبل می‌پرسیم، از تکلیف او در هفته گذشته سوال می‌کنیم که تا چه حدی موفق بوده است؟

مروری بر درماندگی خلاق داریم، استعاره بیلچه را برای مراجع می‌گوئیم. بعد روی جدول برای او توضیح می‌دهیم که در این هفته مشکلات و شیوه‌های کنترل که به کار می‌بری (که همان بیلچه‌هاست) را بنویس.

استعاره بیلچه**به این صورت**

مشکل	شیوه‌های کنترل (بیلچه)	پیامدهای کوتاه مدت	و بلندمدت

جلسه سوم :

واکنش مراجع را در مورد جلسه قبل ارزیابی می‌کنیم.

مرور تکالیف جلسه قبل

در این جلسه دنیای درون و دنیای بیرون را به صورت کاملاً روشن توضیح می‌دهیم و مثالی می‌زنیم و استفاده از قوانین مربوط به این دو دنیا را برایش می‌گوئیم.

دنیای بیرون، دنیای درون



قانون دنیای بیرون، قانون دنیای درون. با مثال‌های زیادی مطلب را کامل روشن می‌کنیم. تکلیف این جلسه و اجتناب را که در دنیای درون و بیرون چگونه انجام می‌شود توضیح می‌دهیم. استعاره ببر را برای مراجع می‌گوییم.

جلسه چهارم

جلسه چهارم به مرور تکالیف می‌پردازیم.

ببینیم چه قدر با استعاره رابطه برقرار کرده است؟

مفهوم کنترل و اجتناب را توضیح می‌دهیم (دوباره) و می‌پرسیم دنیای بیرون و دنیای درون را تا چه حد متوجه شده است، مثال‌هایی از او می‌خواهیم.

یعنی با ذکر مثال‌هایی از خودش می‌فهمیم این مطلب تا چه حد برایش روشن است؟

مفهوم تمایل و پذیرش را بیان می‌کنیم و مثال‌هایی می‌زنیم.

تکلیف این هفته را به او می‌دهیم: روی تمایل کار کند و نقطه مقابل آن اجتناب را از او می‌خواهیم. در این هفته به جای (اجتناب، حذف و کنترل)، تمایل داشته باشد.

از بین لیست وسواس‌های او، آن یکی که کمترین درصد اضطراب را برایش دارد و راحت‌تر می‌تواند انجام دهد، انتخاب می‌کند و تعهد می‌دهد تمایل را نشان دهد و اجتناب نکند.

مثلاً دست را به میله اتوبوس بزن و اجتناب نکن. یا پاهایت را در این هفته مطابق با فکر که می‌گویدی بشوی، نشوی. یا به کنترل تلویزیون دست بزن. در خانه را خودت باز کن.

جلسه پنجم

مرور تکالیف جلسه قبل، باز هم قانون دنیای بیرون و دنیای درون را رسیم تا مطمئن شویم که موضوع کاملاً روشن است.

معمولا در انجام تکلیف هفته قبل که تمایل است تا حدی موفق‌اند، نه صد در صد. باز هم تمایل و نقطه مقابل آن اجتناب را با ذکر مثال‌هایی می‌گوئیم تا بدانند مشکل‌اش در وسواس تبعیت از قانون بیرون است. اینکه فکر می‌کند دست‌اش نجس است (فکر) می‌رود و آن را می‌شوید = قانون دنیای بیرونی
این فکر است و فکر دنیای درون است ولی او می‌رود مطابق دنیای بیرون دست‌اش را می‌شوید.
و بیشتر گرفتار این فکر و تکرار این عمل می‌شود.
تکلیف: تمایل و پذیرش فکر به عنوان فکر و احساس به عنوان احساس و تمایل داشتن به دنیای درون و اجتناب نکردن از فکر و احساس و اضطراب... را تمرین کند.
از او می‌خواهیم در این هفته جهت حل مسائل‌اش حذف، کنترل یا کاهش و اجتناب نداشته باشد بلکه تمایل داشته باشد. تا مسئله تمایل داشتن کاملا جا نیافتد و پذیرش رخ ندهد و گسلش بین فکر و عمل انجام نشود، گام‌های بعدی برداشته نمی‌شود.

جلسه ششم

مرور تکالیف جلسه قبل

در این جلسه بحث مربوط به ارزش‌ها را مطرح می‌کنیم و حیطه‌های ده‌گانه ارزش‌ها را می‌نویسیم و برای او توضیح می‌دهیم که هر ارزشی داشته باشد در همین حیطه‌های جای دارد و جدایی از این حیطه‌ها نیست.

ازدواج / رابطه صمیمانه با همسر هنر

روابط خانوادگی تفریح

روابط اجتماعی دوست / همکار... روابط شهروندی

تحصیل / آموزش سلامتی

شغل / کار مذهب / معنویت / اخلاق

هر چه بگوئید می‌رویم سراغ ارزش‌ها و می‌گوئیم فرض کن کاملا سالمی و وسواس نداری حالا بگو ارزش اول تو چیست؟
بعد از پیدا کردن ارزش‌های او می‌رویم سراغ اهداف که جزیی‌ترند.
ارزش‌ها انتزاعی و غیر قابل وصول اند ولی اهداف جزیی و قابل وصول اند و ملموس.
از او می‌خواهیم در این هفته روی ارزش‌هایش فکر کند و اهدافش را ریز بیان کند و بنویسد. یک ارزش ممکن است ده هدف داشته باشد و هر هدف ممکن است ده مورد عمل برای رسیدن به آن بیان کند.
موانع را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کنیم و روشن می‌کند که برای رسیدن به ارزش شماره ۱ و هدف شماره ۱ چه اعمالی را باید انجام دهد و حالا موانع رسیدن به آن عمل کدامند، آیا (مانع) درونی است یا بیرونی؟

جلسه هفتم

مرور تکالیف هفته قبل و کمک به او در فهم بهتر ارزش‌ها و اهداف...
ضمن این که روی ارزش‌ها تاکید می‌کنیم بحث تغییر رفتار را مطرح می‌نمائیم.
برای مراجع توضیح می‌دهیم ذهنیت چیست؟ واقعیت چیست؟
فکر - احساس - خاطره - میل - حتی علائم بدنی ناشی از آنها ذهنیت شماسست و واقعیت چیزی دیگری است.
می‌گوئیم اگر طبق آنچه ذهن می‌گوید عمل کنی! ← آدمی ذهنیت گرا هستی. اگر طبق آن چه واقعیت است یا آنچه
برایت مهم است و ارزش است عمل کنی ← واقعیت گرا هستی. استعاره اعداد و اتوبوس را می‌گوئیم.
ما می‌گوئیم فکرت را تغییر نده بگذار باشد ← پذیرش
از این به بعد می‌خواهیم رفتارت را تغییر دهی نه فکرت را.

فکر مربوط به دنیای درون است تغییرش نمی‌دهیم می‌گذاریم باشد آنچه را می‌توانیم و باید تغییر دهیم رفتارمان است، که نباید مطابق با ذهن و فکر باشد. بلکه باید مطابق با ارزشها و اهداف باشد.

تکلیف: از روی لیست افکار و اعمال وسواسی‌اش هر کدام درصد کمتری اضطراب تولید می‌کند را با کمک مراجع انتخاب و از او می‌خواهیم در این هفته تمایل و تغییر رفتار را امتحان کند. فکر باشد ← مطابق با آن رفتار نکند.

مثلا فکرش می‌گوید بنشین تا فکرت خوب شود و حالت بهتر شود بعد برو کارهایت را انجام بده، ← با فکر چالش نداشته باش برو و کار هم آن روز را انجام بده.

فکرت می‌گوید: دستت نجس است ← مطابق آن رفتار نکن نرو و دست را نشوی... فکر را هم کاری نداشته باش بگذار باشد.

جلسه هشتم به بعد

ببینم چقدر با استعاره‌هایی قبلی رابطه برقرار کرده است. از این جلسه تا آخر روی ارزشها و اهداف متمرکز می‌شویم، و از مراجع می‌خواهیم همواره بدون این که، افکارش چالش کند دنبال اهدافش و ارزشهایش برود. این موضوع عمل هدفمند را به دنبال دارد. قسمت وقت گیر درمان بحث ارزشهاست. وقتی فرد دنبال ارزشها و اهدافش برود و تعهد رفتاری داشته باشد در زمان حال زندگی می‌کند و تبدیل به فردی فعال (نه منفعل) می‌گردد.

نتیجه این رفتارها و اعمال **انعطاف پذیری روانشناختی** است که هدف Act می‌باشد.

منابع

- ۱- استنلی راگمن. اصول و روشهای درمان شناختی-رفتاری وسواس. ترجمه دکتر غلامعلی افروز -مریم قربانخانی
- ۲- هارولد کاپلان و بنیامین سادوک، خلاصه روانپزشکی. ترجمه پور افکاری. تهران، آزاده، ۱۳۸۰
- ۳- سجادیان ایلناز، نشاط دوست حمید، مولوی حسین، معروفی محسن، تأثیر آموزش روش ذهن آگاهی بر میزان علائم اختلال وسواسی اجباری. مجله علمی پژوهشی مطالعات تربیتی و روانشناسی. سال نهم. سال ۱۳۸۷
- ۴- محمدی مسعود، کوهی لیلا، دهگانپور محمد، غلبه بر وسواس. انتشارات رشد. چاپ اول. ۱۳۸۲
- ۵- معروفی محسن، فرشیدنژاد اکبر. وسواس (شناخت و درمان). اصفهان. انتشارات کنکاش. سال ۱۳۸۲
- ۶- محسن معروفی، رضا شیروانی. اختلال وسواسی اجباری در آموزگاران شهر اصفهان. پایان نامه برای اخذ درجه دکترا در حرفه ای. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۱۳۸۳
- ۷- مریم اسماعیلی نسب، علیرضا اندامی، افتاده در ورطه ی تکرار، ماهنامه سپیده دانایی. سال ششم شماره ۶۱ آذر ۱۳۹۱
- ۸- صبوری شهناز، مهیار امیر هوشنگ، قریب عباس. مقایسه اثربخشی تکنیکهای شناختی رفتاری، کلومپیرامین و ترکیب آنها در بهبود مبتلایان به اختلال وسواس فکری عملی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ۱۳۷۷.
- 1-Hayes, S.C, strosahl, K.D. and Wilson, K.G. (1999). Acceptance and commitment Therapy: an experiential approach to behavior change. London: The Guildford press
- 2-Abramowitz JS, Taylor S McKay D. obsessive-compulsive disorder. Lancet. 2009
- 3-Boulougouris v, chamberlain SR, Robbins TW. cross-species models of OCD spectrum disorder. Psychiatry Res. 2009
- 4- Scott A. cognitive behavioural therapy and young people: an introduction. j Fam health care. 2009
- 5- stein DJ, denys D, gloster AT, Hollander E, Leckman JF, Rauch SL. obsessive-compulsive disorder :diagnostic and treatment issues. Psychiatr clin north Am 2009
- 6-<http://www.porseman.org>
- 7-<http://www.magiran.com>

تأثیر کیفیت خوانایی در شهر خلاق

منیژه رحمتی^۱

چکیده

محیط خوانا می‌تواند به درک بهتر محیط کمک کند. یک تصویر محیطی به طور متفاوت از طریق هر فرد خلق می‌شود و ارزیابی می‌گردد. شهر خلاق شهری است که پدیده‌ای در آن بوجود آمده باشد که خلق کننده انواع تعاملات و فعالیت‌های شهری باشد. اکثر شهرهای ایرانی در لابه لای فضاهای خود این خلاقیت را دارند بدون اینکه طراحی از پیش تعیین شده‌ای برای آنها در نظر گرفته باشند. و ما با استفاده از این ارزش‌ها که در شهرهای خود شاهد آن هستیم می‌توانیم برای شهرسازی آینده خود الگو بگیریم تا بتوانیم شهرهایی خلاق داشته باشیم. فضای عمومی در شهر یکی از مهم‌ترین عناصر شهری است به طوری که شهر، اساساً توسط آن معرفی می‌شود. فضای شهری به طور عام و فضای عمومی به شکل خاص می‌تواند محیطی مطلوب برای بروز خلاقیت در شهر باشد. از آنجایی که یکی از ارکان شکل‌گیری شهر خلاق، فضا است بنابراین وجود فضای عمومی مطلوب در شهر می‌تواند بستر مناسبی را برای شکل‌گیری شهر خلاق فراهم کند. فضای عمومی مناسب به شهروندان این فرصت را می‌دهد تا خلاقیت خود را در آن به نمایش بگذارند؛ فاکتورهای فراوانی در بوجود آمدن یک فضای خلاق در شهر وجود دارند، لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی متون سعی دارد به بررسی یکی از کیفیت‌های فضاهای عمومی یعنی خوانایی و نقش آنها در پایداری شهر خلاق بپردازد و این یکی از بی‌شمار عاملی است که در ایجاد خلاقیت در شهر مؤثر می‌باشد. عمده ترین منابع مورد استفاده در این پژوهش کتاب‌ها و مجلات تخصصی و استفاده از اینترنت است. به طوری که ابتدا با مروری بر ادبیات تخصصی حوزه شهر خلاق و کیفیت خوانایی، نقطه نظرات متفکران مسایل شهری در رابطه با این موضوع مطرح می‌شود، سپس کیفیت خوانایی بر روی یکی از محله‌های قدیمی شهر اصفهان به نام حسن آباد مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. و در نهایت این نتیجه حاصل می‌شود که حسن آباد محوری خواناست که تعاملات اجتماعی و روابط پرننگی بین شهروندان وجود دارد که این خلاق بودن این فضای شهری پایدار را می‌رساند.

واژه های کلیدی: خوانایی، شهر خلاق، خلاقیت، فضاهای شهری

۱- مقدمه

شهر در فرهنگ ایرانی مفهومی است جامع، متشکل از ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و طبیعی. هر کدام از این عوامل در رابطه‌ای متقابل و چندسویه با سایر عوامل قرار گرفته و برآیند حاصل از مجموعه تأثیرات و تأثرات متقابل آنها بر هم، در هر دوره و هر سرزمین شکل دهنده مفهوم شهر است. میزان هماهنگی شهر با مختصات محیطی آن، اعم از محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی، درجه هویت‌مندی شهر را رقم می‌زند و هویت یک شهر، بیش از هر جای دیگر در سیمای شهر متجلی می‌شود و به دیده می‌آید. سیمای شهر به عنوان نخستین جلوه از شهر، آیینی تمام نمای ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی شهر است. سیمای شهری مطلوب با قابلیت تأثیرگذاری بر ادراک شهروندان از تجربه زندگی در شهر، نقش عمده‌ای در تحقق شهر مطلوب دارد. سیمای شهرها تابع اصول و منطقی بوده که پیرو آن حیاتش تداومی مبتنی بر زیبایی، خوانایی، عملکرد و هویت داشته است. بدین منظور می‌توان گفت خوانایی یکی از مهمترین اهداف سیمای شهر است و وضوح مناظر شهری از جمله عوامل مؤثر در ارتقا سطح کیفیت محیطی و در نتیجه کیفیت زندگی است. افراد در محیط‌هایی که برای آنها بسیار

^۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری دانشگاه شهید بهشتی اصفهان

پیچیده و یا بسیار ساده یا به عبارتی ناخوانا باشد رغبتی به ادراک فضا از خود نشان نمی‌دهند و دچار گم گشتگی گشته و احساس هراس و عدم امنیت می‌نمایند.

اگر بخواهیم رابطه خوانایی و شهر خلاق را شرح دهیم می‌توان به میزان استفاده شهروندان از یک فضا اشاره کنیم، زمانی که یک فضا قابلیت این را دارد که شهروندان به طور مداوم از آن استفاده می‌کنند می‌توان گفت که به طور مثال دارای کیفیت خوانایی هم هست که شهروندان به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند و این حضور و فعالیت‌ها در این گونه فضاها خود حاکی از آن است که این فضاها حتماً زمینه لازم برای این تعاملات را در خود خلق کرده‌اند و بنابراین می‌توان عنوان شهر خلاق را به این گونه شهرها نسبت داد. این چالش‌ها سوالات زیر را سبب شده است: چه عواملی موجب خوانایی فضای شهری می‌شود؟ آیا این عناصر در فضاهای گوناگون ثابت می‌باشند؟ مهمترین عناصر تأثیر گذار کدامند؟ چه عواملی باعث بروز خلاقیت می‌شوند و با چه روش‌هایی می‌توان به بالاترین سطح و پایداری خلاقیت در شهر دست یافت؟

۲- روش پژوهش

در این مقاله از دو روش پژوهش بهره گرفته شده است: روش اول با پژوهش کتابخانه‌ای به بیان مبانی نظری پیرامون شهر خلاق، خوانایی، ضرورت خوانایی در شهرهای امروزی، عناصر کالبدی کلیدی و عوامل تصویر ذهنی شهروندان می‌پردازد. روش دوم مبتنی بر پژوهشی میدانی است و با مطالعه هنجار خوانایی در محور تاریخی، فرهنگی، گردشگری حسن آباد اصفهان به بررسی و شناخت عوامل تصویر ذهنی افراد استفاده کننده از فضاهای مذکور و تأثیر هریک از این عوامل بر ادراک آنها پرداخته می‌شود. داده‌ها از جامعه مورد نظر با استفاده از دو تکنیک پرسشنامه و نقشه‌های تصویر ذهنی جمع آوری شدند. جامعه آماری این تحقیق کلیه استفاده کنندگان از فضاهای شهری مورد مطالعه می‌باشند. تعداد ۴۲ پرسشنامه در فضاهای شهری مورد مطالعه بین استفاده کنندگان از این فضاها توزیع گردید. در این تحقیق از آنجایی که تعداد دقیق استفاده کنندگان از این فضاها در دست نبود انتخاب نمونه از روش نمونه گیری تصادفی صورت گرفته است. سپس اطلاعات مندرج در پرسشنامه‌ها و نقشه‌های تصویر ذهنی مورد بررسی قرار گرفت و تجزیه و تحلیل به عمل آمد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- خوانایی

خوانایی در دو سطح اهمیت پیدا می‌کند: فرم کالبدی و الگوی فعالیت. برای بهره‌گیری کامل از امکانات بالقوه یک مکان، باید فرم کالبدی با الگوی فعالیت به تکمیل یکدیگر بپردازند. عناصر برجسته‌ای از جنبه‌های کالبدی محیط یک نقش کلیدی را در شکل دهی محتوای تصورات ذهنی مشترک مردم ایفا می‌کند. کوین لینچ شهرساز مشهور آمریکایی، برای معرفی یکی از مسائل شهری، موضوع خوانایی شهر را که یکی از مسائل حاد شهرهای آمریکایی به خاطر شبکه شطرنجی و یکنواختی کالبدی آن است انتخاب کرد. از میان کیفیت‌های متفاوتی که یک شهر می‌تواند داشته باشد توجه لینچ بیشتر معطوف به کیفیت‌های بصری شهرها و تأثیر آن بر تصویر ذهنی شهروندان از شهر خود می‌باشد. او از میان کیفیت‌های مطلوب خوانایی و وضوح مناظر شهری را برای توضیح تئوری خود انتخاب کرده است. لینچ می‌گوید: "وضوح بصری یا خوانایی آن است که به آسانی اجزا شهری را بتوان شناسایی کرد و بتوان آنها را در ذهن در قالبی به هم پیوسته با یکدیگر ارتباط داد." به گفته لینچ منظور از تصویر ذهنی یا سیما کلیه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش، کیفیات، عملکرد و اولویت‌های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌نماید. این ذهنیات تابعی است از کلیه اطلاعاتی که فرد تا آن برهه از زمان دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است. (لینچ، ۱۳۷۲)

خوانایی در مفهوم ابتدائی خود به این معناست که: مردم - به عنوان پیاده یا راننده - به آسانی بتوانند تشخیص دهند که کجا هستند، چیدمان فضایی شهر چگونه است و برای مکان‌ها، تسهیلات و امکانات مختلفی که لازم دارند، کجا بروند.

خوانایی یک هنجار است و شهری که دارای این ویژگی باشد واجد کیفیت، دلپذیری، زیبایی، سرزندگی، آسانی، مردم مداری، ایمنی، امنیت، غنای حسی و تناسبات بصری می‌باشد و به مردم آن شهر احساس تعلق خاطر می‌بخشد. (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)

۳-۱-۱- عوامل اصلی شکل دهنده تصویر ذهنی شهروندان

حوزه: بخش‌های متوسط تا بزرگ یک شهر هستند که ناظران به طور ذهنی وارد آنها می‌شوند و یا دارای خصوصیات فیزیکی مشخص، پیوستگی‌های موضوعی بر حسب بافت، فضا، شکل، جزئیات، نشانه، استفاده ها، سکنه و توپوگرافی می‌باشند. محله ها ممکن است مرزهای دقیق و سخت داشته باشند یا مرزهای نامعین و سست که به تدریج در پیرامون محدوده ها محو می‌شوند. (پاکزاد، ۱۳۸۵)

لبه: تصویری خطی در ذهن شهروند است که به صورت بند بین دو حوزه یا "خط متصل کننده" آنها جلوه می‌کند، به همین دلیل "لبه" با "مسیر" تفاوت دارد. لبه‌ها عناصر خطی هستند که یا استفاده نمی‌شوند یا به عنوان راه فرض می‌شوند و اغلب به شکل مرزهای بین محدوده‌ها یا (شکست‌ها) خطی در اتصال و پیوستگی (برای مثال، ساحل‌ها، برش‌های راه آهن، لبه‌های توسعه، دیوارها) هستند. به طوری که لاینچ ذکر کرد: لبه ها ممکن است حصارهایی باشند با نفوذ پذیری کمتر یا بیشتر، که یک منطقه را از بقیه جدا می‌کنند یا لبه ها ممکن است درزها یا خط هایی باشند که در طول آنها دو منطقه به هم مربوط می‌شوند و به یکدیگر متصل رند. لبه‌های قوی تر از نظر بصری در شکل پیوسته و برجسته و مهم هستند و اغلب برای ممانعت کردن از حرکت غیر قابل نفوذ هستند. لبه ها بخش‌های سازمان یافته مهمی هستند خصوصا هنگامی که محدوده‌های کلی را به یکدیگر پیوند می‌دهند، مثلا در طرح یک شهر از طریق آب یا یک دیوار. (همان)

گره: نقاط راهبردی در یک شهر که مشاهده کننده می‌تواند در آن داخل شود و مراکز فعالیتی فشرده‌ای هستند که سفرهای شهری در آن ها صورت می‌گیرد. گره‌ها ممکن است مقدمتاً، قاطع‌ها یا به طور ساده تمرکزهای موضوعی یک استفاده یا خصوصیت فیزیکی خاص باشند. گره‌های مهم، هم تمرکزها و هم تقاطع ها را فراهم می‌کنند. با هر دو معنی فیزیکی و عملکردی. برای مثال میادین عمومی با شکل فیزیکی مشخص، احتمال بیشتری دارد که گره خاطره انگیزتری را بوجود آورد. تجمع خودروها در مقابل مدرسه برای سوار کردن یا پیاده کردن شاگردان، همان اندازه تولید "گره" می‌کند که تجمع جوانان محل یا کارگران جویای کار در نقطه ای از خیابان یا میدان که به پاتوق معروف است. (همان)

نشانه: نشانه‌ها مراجع نقطه‌ای هستند. برخی (برج‌ها، مناره‌ها، تپه‌ها) دوردست هستند و به طور نمونه از بسیاری زوایا و فاصله‌های بالای نوک عناصر کوچک‌تر دیده می‌شوند. بقیه (مجسمه، نشانه‌ها، درختان) محلی هستند در مکان‌های محدود و از معابر معین نمایان می‌باشند. نشانه ها با یک شکل واضح و شفاف با زمینه شان تضاد ایجاد می‌کنند و یک مکان فضایی برجسته بیشتر به سادگی قابل تشخیص است و حتما برای مشاهده کننده مهم می‌باشد. لاینچ استدلال کرد که خصوصیات فیزیکی مهم یک نشانه، مختص است. (همان)

راه‌ها: کانال‌هایی هستند که در طول آنها ناظران حرکت می‌کنند. (خیابان‌ها، خط‌های حمل و نقل، کانال‌ها و ...) لاینچ متوجه شد که راه‌ها اغلب عناصر برجسته و مسلط در تصاویر مردم بودند، با دیگر عناصر قرار گرفتند و با آنها مرتبط شدند. راه‌ها می‌توانستند بخش‌های برجسته مهمی در سیمای شهر باشند. به چند دلیل، از قبیل استفاده منظم و دائمی، تمرکز استفاده‌های مخصوص، کیفیت‌های فضایی ویژه، ویژگی‌های نما، نزدیکی به بخش‌های خاص و مهم در شهر، اهمیت بصری، یا بواسطه موقعیتشان در ساختار کلی راه ها یا توپوگرافی. (همان)

به منظور خوانا و روشن نمودن بیشتر یک شهر باید بین ارکان و تک تک اجزای آن پیوستگی وجود داشته باشد، بین پیوند دهندگان اصلی و علائم قابل رویت در جهت ایجاد ساختاری منسجم. متناوباً این اجزا باید در اشتراک با هم، همدیگر را تأکید نمایند که خود باعث خوانایی بیشتر شهر می‌گردد.

۳-۱-۲- راه‌های مختلف مداخله طراح در جهت افزودن خوانایی

- پیوستگی: افزایش پیوستگی اجزای نمایان را می‌توان از طریق ترتیب پی در پی محورهای جامع و همچنین با محورهایی که اجزای فضایی مهمی در کنار خود دارند، ایجاد نمود. رویت پذیری اجزای فضایی از نقطه تقاطع محورهای جامع و محورهایی که اجزای فضایی مهم را در کنار خود دارند سبب مستحکم گردیدن پیوستگی اجزای نمایان می‌گردد.
- ترتیب و نظم: ایجاد نظم می‌تواند از طریق تغییر ترکیب معابر در جهت رسیدن به نظم بیشتر و کم کردن بی‌نظمی‌ها صورت پذیرد. گرچه باید از ایجاد نظم بی‌اندازه پرهیز نمود که باعث بی‌تنوعی و یکنواختی می‌شود. یک نوع ترتیب در آرایش شهری می‌تواند از طریق ترتیب پی در پی اجزای فضایی در مقیاس‌های متفاوت ایجاد گردد. تغییر مقیاس در اجزای فضایی می‌تواند با تغییر مقیاس فضای شهری متوازن گردد که این خود باعث امکان پذیر بودن افزایش خوانایی می‌گردد.
- توزیع مناطق فعالیت: توزیع مناطق فعالیت و ترکیب معابر هر دو بر میزان رفت و آمد و حرکت افراد از محورهای شهری تاثیر گذارند. مناطق با تراکم زیاد از لحاظ رفت و آمد در ذهن فرد باقی خواهند ماند. مناطق تجمع‌های اجتماعی بزرگ و مسیرهایی که مناطق فعالیت را به هم مرتبط می‌کنند به دلیل حضور فرد و فعالیت در ذهن فرد می‌مانند. بازبینی سیاست‌های ارضی به طراح کمک خواهد نمود تا توزیع رفت و آمد افراد پیاده را در جاهای معین بخش‌هایی از نقشه دوباره تعریف بنماید.
- توزیع هسته‌های رویت‌پذیر: یکی از راه‌های خوانا نمودن بیشتر آرایش شهری این است که هسته‌های رویت‌پذیر را با توجه به توزیع محورهای جامع در منطقه توزیع نماییم. محورهای جامع باید به هسته ختم شوند و یا اینکه از پهلوی آن بگذرند. عمق متوسط محور شهری از این هسته‌ها با فراوانی در یادآوری در نقشه‌های ذهنی مرتبط می‌باشند.
- رابطه متقابل محورهای جامع: همان‌گونه که ارزیابی نقشه‌های ذهنی نشان دادند رابطه متقابل بین محورهای جامع، خوانایی را در آرایش افزایش می‌دهند. با تغییر مکان محورهای جامع طوری که مرکز را به نواحی اطراف متصل نمایند، خوانایی بهبود بخشیده می‌شود. این قابل نشان دادن می‌باشد که وقتی این ارتباط مستحکم گردد، فراوانی یادآوری محور افزایش می‌یابد.
- ایجاد قالب‌های ساده در بخش‌هایی از ترکیب معابر: ایجاد قالب‌های هندسی و ساده در پاره‌ای از بخش‌های ترکیبات معابر الگویی ایجاد می‌کند که ممکن است در ذهن فرد بهتر ماندگار گردد.

۳-۲- شهر خلاق

- خلاقیت به معنای تشخیص صحیح مزیت‌های نسبی هر شهر و تقویت این ظرفیت‌هاست. شهرسازی بستر بروز خلاقیت در شهر را فراهم می‌کند. ایده شهر خلاق به شهرسازان پیشنهاد می‌کند که افق‌های دید خود را گسترده‌تر کرده و تخیل خود را در مواجهه با مسائل شهری پرورش دهند. به موازات آن در شهر خلاق، پرورش تخیل و خلاقیت عموم مردم نیز در کانون توجه می‌باشد. (سعیدی، ۱۳۸۹)
- شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت‌هاست. شهر خلاق منزلی برای خلاقیت‌های هنری، نوآوری علمی و فناوری و صدای رسای فرهنگ‌های روبه رشد است. شهری که همه پتانسیل‌های خلاق خود را جامه‌ی عمل می‌پوشاند و پرچم دار فعالیت‌های فرهنگی و توسعه‌ای است. شهر خلاق، یک شهر نیرومند از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت‌های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود، اطمینان خاطر دارد. از جمله ویژگی‌های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود (به خصوص برای نسل جوان)، مکانی جذاب برای گردشگران (صنعت توریسم) و همچنین توانمند در شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۷)

حامد کامل نیا (دانش‌آموخته دکترای معماری از دانشگاه تهران و استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد) در خصوص اینکه چه عواملی باعث بروز خلاقیت می‌شوند و با چه روش‌هایی می‌توان به بالاترین سطح خلاقیت در شهر دست یافت، نظریه‌های روان‌شناسان یادگیری را مطرح می‌کند و سه دیدگاه را بررسی می‌کند. اولین رویکرد، دیدگاه آقای «برونر» است. وی فرآیند تولید یک اثر ناب را به سه مرحله احساس، ادراک و خلاقیت تقسیم می‌کند. برونر از شاگردان پیازه بود و تفکرات شناخت‌گرای پیازه به دست وی توسعه پیدا کرد. تمرکز برونر بر موضوع «یادگیری» بود و اعتقادش بر این بود که در هر یادگیری ای یک روند خلاقانه وجود دارد. با این منظر، هر پدیده‌ای را که بتوانیم در یک فضای شهری یا فضای معماری ایجاد کنیم که یک اثر یادگیری روی مردم داشته باشد، می‌تواند یک اثر خلاقانه باشد. مثلاً اگر یک درخت در یک فضای شهری می‌تواند برای یک بچه اثر یادگیری داشته باشد، آن، یک اثر خلاقانه است. بنابراین خلاقیت را کاملاً وابسته به یادگیری می‌دانست و معتقد بود هر چقدر فضای شهری ما بتواند بیشتر به یادگیری منجر شود، بیشتر خلاقانه است. برخی دیگر از نظریه پردازان، رابطه خلاقیت را با هوش می‌سنجیدند. به عنوان نمونه نظر آقای «هوارد گاردنر» بر این بود که افراد باهوش همان آدم‌های خلاق هستند. برای هوش هشت طبقه ارائه داد که عبارتند از: هوش کلامی، عددی، رقصی، اجتماعی، بصری، فضایی، طبیعی و فیزیکی. ما اگر بتوانیم در شهرهایمان فضاهایی برای ارتباط بیشتر مردم با طبیعت ایجاد کنیم، به نوعی تفکر خلاقانه کمک کرده‌ایم. اگر مردم بتوانند شرایط فیزیک بدنی شان را بهبود بدهند و ورزش کنند، هوش فیزیکی‌شان ارتقا پیدا می‌کند. از این رو اگر در شهرها امکانات ورزشی و تربیت بدنی بهبود یابد، به پرورش هوش فیزیکی و در نتیجه به پرورش خلاقیت منجر خواهد شد. اگر یک فضای شهری بتواند هوش ریاضی شهروندان را بالا ببرد و از نظر رقومی مردم را به چالش وادارد، این هم موجب بروز خلاقیت می‌شود. مثلاً شما می‌توانید در کف‌سازی یک فضای شهری یک جدول ضرب بگذارید، یا یک پازلی را در آن کار کنید. این باعث می‌شود، آن کف‌سازی در عین حال که پیاده رو محسوب می‌شود، یک اثر خلاقانه هم باشد. رویکرد سوم در این زمینه، دیدگاه آقای «بروسویک» است که کتابی با عنوان «آزادی و خلاقیت» دارد. اعتقاد او این است که ما می‌توانیم تفکر خلاق را از راه دخیل کردن تمام افراد ذی نفع در خلق یک اثر پرورش دهیم. هر چقدر که به سمت استفاده از مشارکت بهره‌وران در تولید یک اثر کالبدی پیش رویم، به این معناست که به توسعه تفکر خلاقانه در یک جامعه بها داده‌ایم. نگاه بروسویک، نگاهی فرآیند محور است و معتقد است که باید فرآیند طراحی، فرآیندی مشارکتی باشد تا به خلاقیت برسیم؛ هر چند که محصول کار ممکن است چندان خلاقانه به نظر نیاید. به نظر وی فرآیند توسعه خلاقانه یک فضای شهری، وقتی اتفاق می‌افتد که افرادی در شکل‌گیری آن اثر نقش داشته باشند که می‌خواهند از آن استفاده کنند. به عنوان مثال وقتی که می‌خواهیم یک محور شهری را طراحی کنیم، یک سری افراد به عنوان طراح وجود دارند که او اسمش را «کاتالیزور» می‌گذارد. این افراد ممکن است که گزینه‌های طراحی را پیشنهاد دهند ولی انتخاب با کاربرهاست. به این ترتیب چون ما تفکر جاری و ساری افراد آن اجتماع را در طراحی دخالت می‌دهیم، به نوعی از خلاقیت موجود در آن جامعه هم در این طراحی استفاده می‌کنیم. اگر شما در شهری میدانگاهی برای جمع‌شدن یا اجتماع مردم درست کنید، این باعث می‌شود که شما هوش جمعی شهروندان را بالا ببرید، زیرا فرصت برهمکنش‌های اجتماعی را افزایش داده‌اید و موجب بروز نوعی از خلاقیت می‌شوید. یا اگر شما سواد بصری شهروندان را از طریق توجه به عناصر زیبایی‌شناسی در فضای شهری بالا ببرید، هوش بصری را بالا می‌برید. به این ترتیب دیگر مردم ساختمان‌ها و نماهای زشت را در شهر نمی‌پسندند، زیرا هوش بصری‌شان بالاتر رفته و خلاقیت‌شان بیشتر شده است. (سعیدی، ۱۳۸۹)

مردم و فضاهای شهری به عنوان رکن‌های اصلی شهرهای خلاق هستند. برای ایجاد توسعه و شهرهای خلاق باید راهبردهایی را به اجرا درآورد که ضمن پشتیبانی از ارکان ذکر شده، شهر را به سوی یک آینده خلاق سوق دهند. در این مقاله یکی از راهبردهای اصلی برای توسعه شهر خلاق ذکر گردیده که هر شهری بسته به شرایط خود می‌تواند این راهبرد را

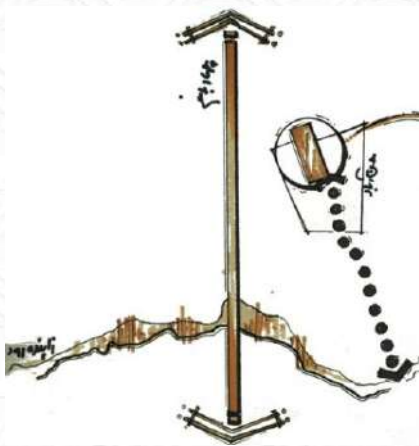
مد نظر قرار دهد. در شهرهای خلاق باید شرایط و فعالیت‌هایی مد نظر قرار گیرند که به ظهور هنرمندان آینده منجر شوند، باعث شوند مصرف‌کنندگان خواهان کالاهای فرهنگی باشند و محیطی جذاب برای افراد خلاق ایجاد شود. بین فضا و خلاقیت یک ارتباط قوی وجود دارد و افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام بخشی و نمایش کارهای خود دارند. (مجیدفر و محمدی، ۱۳۸۹)

از راهبردهای توسعه شهر خلاق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *ایجاد فضاهای با ثبات و مطمئن برای هنرمندان*: افراد و کسب و کارهای خلاق معمولاً به دلیل بالا رفتن نرخ اجاره بها مجبور به جابجایی می‌شوند که این موضوع تهدیدی برای بقا، خلاقیت و نوآوری آنان است. بنابراین فراهم کردن فضاهای با ثبات و اطمینان بخش برای این افراد ضروری است. *ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری*: بهبود فضاهای خلاقانه شهری باعث احساس غرور شهروندان، جذب و نگهداری افراد و کارکنان مستعد و خلاق، سرمایه‌گذاری بیشتر و افزایش گردشگری می‌شود. می‌توان در این خصوص موارد زیر را برشمرد: طراحی بهتر برای فضاهای عمومی، سرمایه‌گذاری در نهادها و ساختمان‌های بزرگ فرهنگی، حفاظت از آثار فرهنگی، پیشبرد و سرمایه‌گذاری در به کارگیری هنر در فضاهای عمومی. *افزایش کیفیت‌های محیطی*: بالا رفتن کیفیت محیط زمینه لازم برای استفاده شهروندان را فراهم می‌سازد و همانطور که ذکر گردید زمانی که یک فضا قابلیت این را دارد که شهروندان به طور مداوم از آن استفاده می‌کنند می‌توان گفت که به طور مثال دارای کیفیت خوانایی هم هست که شهروندان به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند و این حضور و فعالیت‌ها در اینگونه فضاها خود حاکی از آن است که این فضاها حتماً زمینه لازم برای این تعاملات را در خود خلق کرده‌اند و بنابراین فضایی خلاق محسوب می‌شوند.

تا اینجا مفهوم خوانایی و شهر خلاق و همچنین رابطه این دو با هم ذکر گردید، سپس با ذکر نمونه موردی و بررسی کیفیت خوانایی در آن این رابطه نشان داده می‌شود.

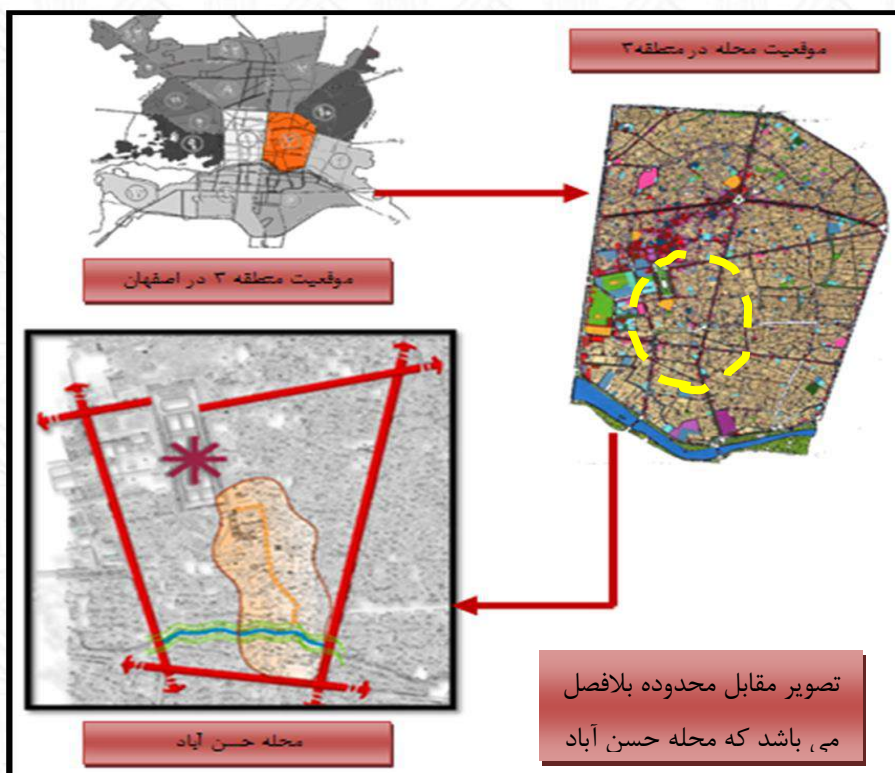
۴- معرفی نمونه

منطقه ۳ اصفهان در برگرفته مرکز تاریخی شهر، در مجموع ۱۱۸۰ هکتار وسعت دارد که حد جنوبی آن را زاینده رود،



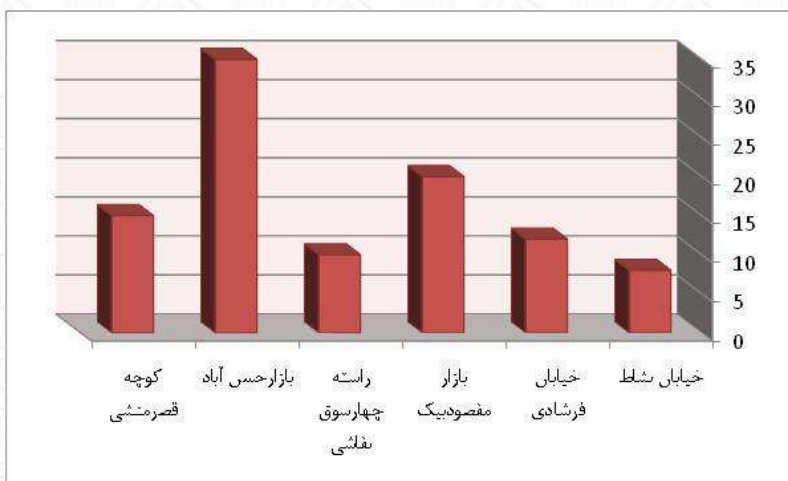
حد غربی را چهارباغ عباسی، حد شمالی را خیابان سروش و حد شرقی را بلوار بزرگمهر شکل می‌دهد. محدوده سایت تقریباً حد فاصل خیابان‌های استانداری در سمت غرب، خیابان نشاط در سمت شرق، خیابان حافظ در سمت شمال و خیابان فلسطین در سمت جنوب می‌باشد. محور تاریخی حسن آباد که از جنوب میدان نقش جهان شروع و به چهارباغ صدر ختم می‌شود، تا قبل از صفویه در دوران دیالامه و سلجوقیه مهمترین گذر شهری اصفهان به شمار می‌رفته و دروازه شمالی اصفهان-طوقچی را به دروازه جنوبی شهر یعنی دروازه حسن آباد متصل می‌نموده. با ایجاد میدان نقش جهان، مجموعه بازار مقصود بیگ و بازارچه حسن آباد، این مسیر بعنوان بخشی از دومین محور شهری اصفهان سازماندهی گردیده و شکل

داده شده است. این محور از سمت جنوب شرقی میدان نقش جهان شروع شده و بعد از گذشتن از کنار بناهای تاریخی با ارزش نظیر امام زاده احمد، مسجد و مدرسه ساروتقی و عبور از محورهای شرقی غربی منطقه شامل خیابان جدید الاحداث فرشادی، مادی فرشای، خیابان فلسطین، وارد چهارباغ صدر می‌گردد. این محور که مدرسه صدر خواجو نیز در کنار آن واقع شده است، در انتها به پل تاریخی خواجو و زاینده رود می‌رسد.



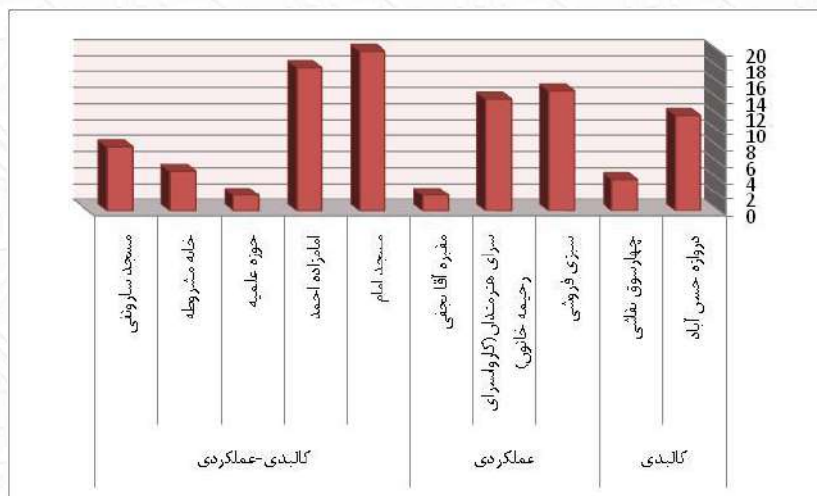
عکس (۱): موقعیت محله حسن آباد در اصفهان، مأخذ: نگارنده

۱-۴- پردازش اطلاعات و تحلیل



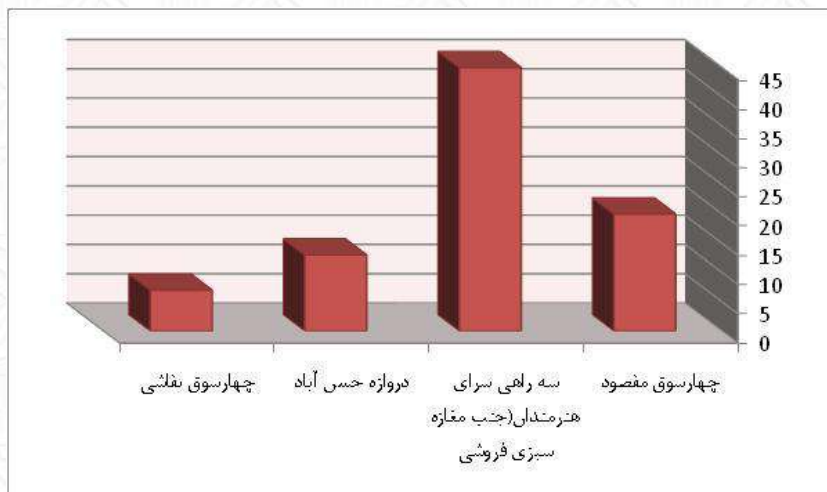
نمودار (۱): میزان نمایان شدن مسیرها در نقشه های تصویر ذهنی

با توجه به نمودار فوق میزان نمایانی محور اصلی بازارچه حسن آباد در نقشه تصویر ذهنی مردم بیش از سایر مسیرها بوده است. البته برخی از مسیرها به دلیل همجواری با عنصر خاص کالبدی - عملکردی و تبعیت از نام آن عنصر (کوچه قصر منشی) یا به دلیل قرار گرفتن در راستای بازارچه حسن آباد (بازار مقصودبیک) به میزان قابل ملاحظه ای در تصویر ذهنی مردم نقش بسته اند.



نمودار (۲): میزان نمایان شدن نشانه‌ها در نقشه‌های تصویر ذهنی

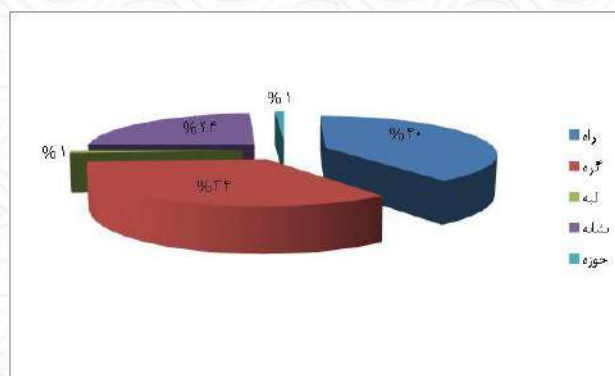
با توجه به نمودار فوق و دسته‌بندی نشانه‌ها به سه دسته کالبدی، عملکردی و کالبدی-عملکردی می‌توان به رابطه‌ی میان سطح عملکرد و فرم کالبدی نشانه‌ها و میزان نمایانی آنها در تصویر ذهنی مردم اشاره نمود. عناصری که به دلیل عملکردی و نیز کالبدی شاخص شده به صورت قابل توجهی در تصاویر ذهنی مردم و همچنین در نحوه آدرس دهی آنها نقش بسته است. (امامزاده احمد و مسجد امام)



نمودار (۳): میزان نمایان شدن گره‌ها در نقشه‌های تصویر ذهنی

با توجه به نمودار فوق گره‌هایی که دارای کارکردهای مختلف، فرم کالبدی منحصر به فرد و یا بار معنایی خاصی هستند در تصویر ذهنی مردم به خوبی نمایانند. برای مثال سه راهی واقع در بازارچه حسن آباد به دلیل وجود یک مغازه سبزی فروشی در آن یک گره بسیار فعال از نظر اجتماعی و ترافیکی در این محله می‌باشد. در تصاویر ذهنی برداشت شده، افراد به لبه‌های موجود اشاره ننموده، با توجه به این که از محدوده مورد نظر مادی فرشادی می‌گذرد اما به دلیل این که در لبه آن کاربری مسکونی قرار گرفته در تصویر ذهنی افراد نقش بسته است. در مورد حوزه‌ها نیز تعداد کمی از افراد در تصویر ذهنی خود به آن اشاره کرده‌اند. در این بافت علی رغم وجود محلات متفاوت، بیشتر به نام خیابان‌ها و بازار اشاره شده است.

با جمع‌بندی هر یک از عناصر ذکر شده در نقشه‌های تصویر ذهنی ساکنان و دسته‌بندی آنها در غالب ۵ عامل تشکیل دهنده تصویر ذهنی (راه، لبه، گره، نشانه و حوزه) این نتیجه حاصل شده است که همان‌طور که کوین لینچ در مطالعات خود در مورد عناصر تشکیل دهنده سیمای شهر در سه شهر آمریکایی مطرح می‌سازد، راه‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار بر تصویر ذهنی مردم هستند. موضوع دیگری که از این تحقیق به دست آمد این است که منظر عینی و ذهنی افراد با هم تفاوت اندکی دارد که این به دلیل بافت ارگانیک محله است و این تفاوت نشان‌دهنده وضوح کمتر کلیت فضا در ذهن استفاده‌کنندگان است. یکی دیگر از دلایل این وضوح کم در ذهن استفاده‌کنندگان این است که در بازارچه بیشتر کارگاه‌های صنایع دستی (مثل میناکاری، قلم زنی و ...) قرار گرفته و افرادی که بیشتر در آنجا رفت و آمد دارند (غیر از کسانی که از این مسیر به عنوان یک راه ارتباطی استفاده می‌کنند) کسبه محل هستند و بیشتر از این که به کلیت فضا توجه داشته باشند الگوی فعالیت‌ها را مد نظر قرار می‌دهند.



نمودار (۴): میزان نمایانی ۵ عامل مؤثر در ایجاد خوانایی

۵- نتیجه گیری

شهر خلاق مکانی برای رشد و نمو خلاقیت‌ها است. شهر خلاق منزلی برای خلاقیت‌های هنری، نوآوری علمی و فناوری و صدای رسای فرهنگ‌های روبه رشد است. شهری که همه پتانسیل‌های خلاق خود را جامه‌ی عمل می‌پوشاند و پرچم‌دار فعالیت‌های فرهنگی و توسعه‌ای است. شهر خلاق، یک شهر نیرومند از لحاظ یادگیری فرهنگی و بین فرهنگی است. در این شهر، هر شهروند به استفاده از ظرفیت‌های علمی، فنی، هنری و فرهنگی خود، اطمینان خاطر دارد. از جمله ویژگی‌های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود (به خصوص برای نسل جوان)، مکانی جذاب برای گردشگران (صنعت توریسم) و همچنین توانمند در شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷). در پایان باید گفت خلاقیت چیزی نیست که به راحتی به همراه هکرهای کامپیوتری، تخته‌های اسکیت، شادی‌ها و ... به شهر وارد شود بلکه باید به صورت عضوی (ارگانیک) در میان مجموعه در ارتباط با تولیدات، کار و زندگی اجتماعی در ابعاد مختلف شهری، توسعه و گسترش یابد. (Musturd, 2001)

در این مقاله برای دستیابی به پایداری یک شهر خلاق، ضمن معرفی شرایطی که خلاقیت را پرورش می‌دهند، به بررسی یکی از فاکتورهای کیفیت فضای شهری یعنی خوانایی و نقش آن در ایجاد و پایداری خلاقیت در فضا پرداخته شد. نتایجی که از مطالعات میدانی به دست آمده نشان می‌دهد که حسن آباد محوری خواناست که تعاملات اجتماعی و روابط پررنگی بین شهروندان وجود دارد که این خلاق بودن این فضای شهری پایدار را می‌رساند.

۶- منابع

- ابراهیمی، مهران، ۱۳۸۷، «نشست شهر خلاق: مفاهیم، سیاست‌ها، مطالعه موردی از شهرهای موفق و ناموفق»، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، تیرماه، فرهنگسرای نیاوران، تهران



- بنتلی، ای ین و همکاران، ۱۳۸۲، محیط های پاسخده، مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم وصنعت ایران، مرکز انتشارات، چاپ دوم
- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۵، سیمای شهر، آبادی، شماره ۵۳: ص ۲۰-۲۵
- تیبالدز، فرانسیس، ۱۳۸۳، شهرسازی شهروندگرا، محمد احمدی نژاد، اصفهان: خاک
- سعیدی، هادی، ۱۳۸۹، گزارش «شهر خلاق»، شهرداری ها، سال یازدهم، شماره ۱۰۰
- شکوهی، مهشید، نقش نشان های قابل رویت و ترکیبات معابر در خوانایی شهرها، دانشگاه هنر تهران
- لینچ، کوین، ۱۳۷۲، سیمای شهر، منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، چاپ ششم، ۱۳۸۳
- مجیدفر، فرزاد و محمدی، کمال، ۱۳۸۹، دوران شهرهای خلاق، شهرداریها، سال یازدهم، شماره ۱۰۰

SAKO; MUSTURD, "Amsterdam Az Creative Culture Knowledge City: Some -
Conditions" , 2001

استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی در پیشرفت امنیت

معصومه حیدری^۱

مقدمه:

شبکه‌های عصبی مصنوعی که امروزه در کاربردهای فراوانی ارزش بالای خود را نشان داده‌اند، بر اساس مدل بیولوژیکی مغز جانوران بوجود آمده‌اند. این شبکه‌ها به واقع یک سیستم داده پردازی اطلاعات است که دارای خصوصیات اجرایی خاصی همانند شبکه‌های عصبی جانوری می‌باشد که از تعمیم یافتن مدل‌های ریاضی آن‌ها به وجود آمده‌اند. شبکه‌های عصبی مصنوعی، شاخه‌ای از هوش مصنوعی است که یک روش مناسب برای تشخیص الگوهای ناشناخته در داده می‌باشد که یکی از کاربردهای آن پیش‌بینی است. برای پیش‌بینی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، دو برنامه وجود دارد یکی مرحله آموزش می‌باشد و دیگری پیش‌بینی بر اساس داده آموزش داده شده است. همچنین از الگوریتم پس انتشار برای آموزش و از شبکه عصبی مصنوعی feedforward برای پیش‌بینی تقاضا استفاده می‌شود. در این پژوهش در نظر است مروری بر شبکه‌های عصبی مصنوعی، کارکرد و روش اجرای آن داشته باشیم.

شبکه‌های عصبی مصنوعی، ساختار شبیه‌سازی شده شبکه عصبی انسان هستند که برای تعیین الگو، بین داده‌های آماری (به ویژه در رشته‌های علوم انسانی) کاربرد بسیاری دارند. الگوی ارائه شده، برای تحلیل داده‌ها، بررسی کیفیت، طراحی، بهینه‌سازی، پیش‌بینی، تشخیص و ... کاربرد بسیار زیادی دارد. در این پژوهش بر اساس داده‌های آماری، اطلاعات مربوط به تعداد درگیری‌های ۱۴ نقطه مرزی شناخته شده در طول هفت سال به وسیله نرم افزار متلب مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی در این نرم‌افزار، تعداد این درگیری‌ها را برای پنج سال آینده پیش‌بینی کرده‌اند. پیش‌بینی‌های به دست آمده (خروجی نرم افزار) به عنوان ابزاری در اختیار مدیران قرار می‌گیرد و برای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، شناسایی، کشف، پیشگیری و ... کاربرد بسیاری دارد.

تاریخچه شبکه‌های عصبی مصنوعی:

از قرن نوزدهم به‌طور همزمان اما جداگانه از سویی نوروفیزیولوژیست‌ها سعی کردند سیستم یادگیری و تجزیه و تحلیل مغز را کشف کنند، و از سوی دیگر ریاضیدانان تلاش کردند مدل ریاضی‌ای بسازند که قابلیت فراگیری و تجزیه و تحلیل عمومی مسائل را دارا باشد. اولین کوشش‌ها در شبیه‌سازی با استفاده از یک مدل منطقی در اوایل دهه ۱۹۴۰ توسط وارن مک‌کالک و والتر پیتز انجام شد که امروزه بلوک اصلی سازنده اکثر شبکه‌های عصبی مصنوعی است. عملکرد این مدل مبتنی بر جمع ورودی‌ها و ایجاد خروجی با استفاده از شبکه‌ای از نورون‌ها است. اگر حاصل جمع ورودی‌ها از مقدار آستانه بیشتر باشد، اصطلاحاً نورون برانگیخته می‌شود. نتیجه این مدل اجرای ترکیبی از توابع منطقی بود.

در سال ۱۹۴۹ دونالد هب قانون یادگیری را برای شبکه‌های عصبی طراحی کرد. در سال ۱۹۵۸ شبکه پرسپترون توسط روزنبلات معرفی گردید. این شبکه نظیر واحدهای مدل شده قبلی بود. پرسپترون دارای سه لایه است که شامل لایه ورودی، لایه خروجی و لایه میانی می‌شود. این سیستم می‌تواند یاد بگیرد که با روشی تکرارشونده وزن‌ها را به گونه‌ای تنظیم کند که شبکه توان بازتولید جفت‌های ورودی و خروجی را داشته‌باشد. روش دیگر، مدل خطی تطبیقی نورون است که در سال ۱۹۶۰ توسط برنارد ویدرو و مارسیان هاف در دانشگاه استنفورد به وجود آمد که اولین شبکه‌های عصبی به کار گرفته شده

^۱. دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر masumeheydari2007@gmail.com

در مسائل واقعی بودند. آدالاین یک دستگاه الکترونیکی بود که از اجزای ساده‌ای تشکیل شده بود، روشی که برای آموزش استفاده می‌شد با پرسپترون فرق داشت.

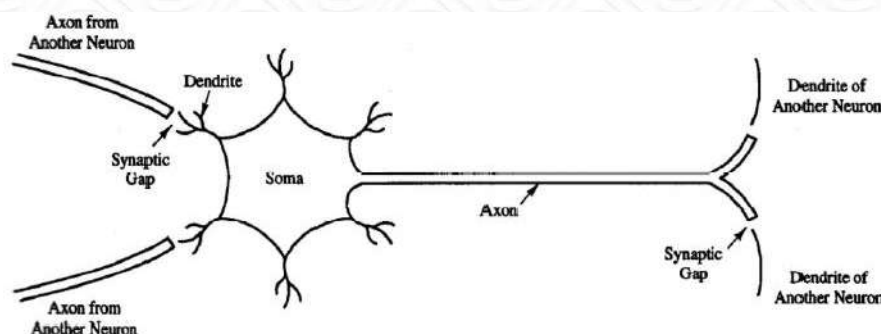
در سال ۱۹۶۹ میسکی و پاپرت کتابی نوشتند که محدودیت‌های سیستم‌های تک لایه و چند لایه پرسپترون را تشریح کردند. نتیجه این کتاب پیش داوری و قطع سرمایه‌گذاری برای تحقیقات در زمینه شبیه‌سازی شبکه‌های عصبی بود. آن‌ها با طرح این که طرح پرسپترون قادر به حل هیچ مسئله جالبی نمی‌باشد، تحقیقات در این زمینه را برای مدت چندین سال متوقف کردند.

با وجود این که اشتیاق عمومی و سرمایه‌گذاری‌های موجود به حداقل خود رسیده بود، برخی محققان تحقیقات خود را برای ساخت ماشین‌هایی که توانایی حل مسائلی از قبیل تشخیص الگو را داشته باشند، ادامه دادند. از جمله گراسبگ که شبکه‌ای تحت عنوان (Avalanch) را برای تشخیص صحبت پیوسته و کنترل دست ربات مطرح کرد. همچنین او با همکاری کارپنتر شبکه‌های نظریه تشدید انطباقی را بنا نهادند که با مدل‌های طبیعی تفاوت داشت. اندرسون و کوهونن نیز از اشخاصی بودند که تکنیک‌هایی برای یادگیری ایجاد کردند. ورباس در سال ۱۹۷۴ شیوه آموزش پس انتشار خطا را ایجاد کرد که یک شبکه پرسپترون چندلایه البته با قوانین نیرومندتر آموزشی بود.

پیشرفت‌هایی که در سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بدست آمد برای جلب توجه به شبکه‌های عصبی بسیار مهم بود. برخی فاکتورها نیز در تشدید این مسئله دخالت داشتند، از جمله کتاب‌ها و کنفرانس‌های وسیعی که برای مردم در رشته‌های متنوع ارائه شد. امروز نیز تحولات زیادی در تکنولوژی ANN ایجاد شده است [۱].

شبکه عصبی مصنوعی

دانشمندان سعی در شناخت مغز بشر می‌نمایند؛ ولی هر چه بیشتر تلاش می‌کنند، متوجه می‌شوند که دست نیافتنی‌تر است؛ اما برای شبیه‌سازی آن با شبکه عصبی مصنوعی کوشش می‌کنند. اطلاعات زیادی در مورد شبکه عصبی انسان به دست آمده است؛ ولی پردازش‌ها و عملیات‌های پیچیده مغز با فناوری‌ای که امروزه وجود دارد، غیرممکن است. می‌توان یک نرون عصبی انسان و عملکرد آن را توسط الگوهای ریاضی، الگوسازی کرد. شکل (۱-۲) ساختار یک نرون طبیعی را نشان می‌دهد.



شکل (۱-۲) ساختار یک نرون طبیعی



هر نرون طبیعی، از سه قسمت اصلی تشکیل شده است:

❖ سوما^۱ بدنه سلول.

❖ آکسون^۲

❖ دندريت^۳

دندريت‌ها به عنوان مناطق دريافت سيگنال‌های الكتريکی، شبکه‌هایی تشکیل یافته از فیبرهای سلولی هستند که سطح نامنظم و شاخه‌های انشعابی بی‌شماری دارند. دندريت‌های سيگنال‌های الكتريکی را به هسته سلول منتقل می‌کنند. بدنه سلول انرژی لازم را برای فعالیت نرون فراهم می‌کند و بر روی سيگنال‌های دريافتي عمل می‌کند، که با یک عمل ساده جمع و مقایسه با یک سطح آستانه، الگو می‌گردد. آکسون خلاف دندريت‌ها از سطحی هموارتر و تعداد شاخه‌های کمتری برخوردار است. آکسون طول بیشتری دارد و سيگنال‌های الكتروشیمیایی دريافتي از هسته سلول را به نرونهای دیگر منتقل می‌کند. محل تلاقی یک اکسون از یک سلول به دندريت‌های سلول‌های دیگر را سیناپس می‌گویند. سیناپس‌ها وظیفه برقراری ارتباطات بین نرون‌ها را به عهده دارند. به فضای مابین اکسون و دندريت‌ها، فضای سینتاپسی می‌گویند.

شبکه‌های عصبی مصنوعی را می‌توان با اغماض زیاد، الگوهای الكترونیکی از ساختار عصبی مغز انسان نامید. سازوکار فراگیری و آموزش مغز اساساً بر تجربه استوار است و الگوهای الكترونیکی شبکه‌های عصبی طبیعی نیز بر اساس همین الگو بنا شده‌اند. اما روش برخورد چنین الگوهایی با مسائل، با روش‌های محاسباتی که به طور معمول توسط سامانه‌های رایانه‌ای انجام می‌پذیرد، تفاوت دارد.

همان‌طور که می‌دانیم، حتی ساده‌ترین مغزهای جانوری هم قادر به حل مسائلی هستند که اگر نگوییم که رایانه‌های امروزی از حل آنها عاجز هستند؛ ولی می‌توان ادعا کرد که حداقل در حل آنها دچار مشکل می‌شوند. برای نمونه، مسائل مختلف شناسایی الگو، نمونه‌ای از مواردی هستند که روش‌های معمول محاسباتی برای حل آنها به نتیجه مطلوب نمی‌رسند. در حالی که مغز ساده‌ترین جانوران به راحتی از عهده چنین مسائلی بر می‌آید. تصور عموم کارشناسان فناوری اطلاعات بر آن است که الگوهای جدید محاسباتی که بر اساس شبکه‌های عصبی مصنوعی بنا می‌شوند، جهش بعدی صنعت فناوری اطلاعات را شکل می‌دهند. تحقیقات در این زمینه نشان داده است که مغز، اطلاعات را همانند الگوها^۴ ذخیره می‌کند. فرآیند ذخیره‌سازی اطلاعات به صورت الگو و تجزیه و تحلیل آن الگو، اساس روش نوین محاسباتی را تشکیل می‌دهند. این حوزه از دانش محاسباتی^۵ به هیچ وجه از روش‌های برنامه‌نویسی سنتی استفاده نمی‌کند و به جای آن، از شبکه‌های بزرگی که به صورت موازی آرایش شده‌اند و تعلیم یافته‌اند، بهره می‌جوید [۲].

^۱. Soma

^۲. Axon

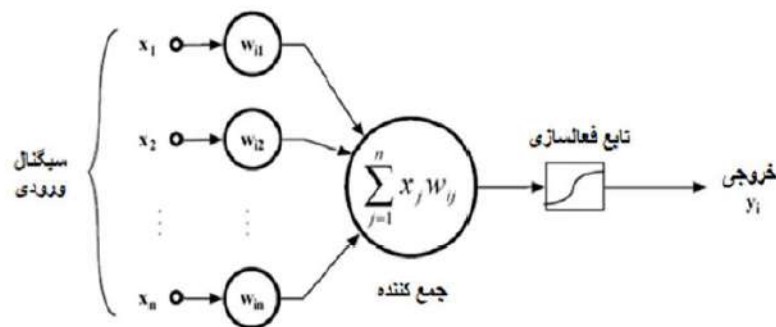
^۳. Dendrite

^۴. Pattern

^۵. Computation

در پردازش اطلاعات، یک شبکه عصبی مصنوعی از یک سامانه عصبی زیستی ایده می‌گیرد و مانند مغز به پردازش اطلاعات می‌پردازد. عنصر کلیدی این ایده، ساختار جدید سامانه پردازش اطلاعات است. این سامانه از شمار زیادی عناصر پردازشی بسیار بهم پیوسته (نرون‌ها) تشکیل شده است که برای حل یک مسئله با هم هماهنگ عمل می‌کنند. یادگیری در شبکه‌های عصبی همانند یادگیری انسان‌ها با ایجاد و حل نمونه صورت می‌پذیرد. از این رو یک شبکه عصبی مصنوعی برای انجام وظیفه‌ای مشخص، مانند شناسایی الگوها و دسته بندی اطلاعات، در طول یک فرآیند یادگیری تنظیم می‌شود. در سامانه‌های زیستی یادگیری با تنظیماتی در اتصالات سیناپسی که بین اعصاب قرار دارد، همراه است و شبکه‌های عصبی مصنوعی نیز عملکردی شبیه آن‌ها دارند [۳].

اولین سلول عصبی مصنوعی در سال ۱۹۶۳ به وسیله یک عصب شناس^۱ به نام وارن مک کلاه^۲ و یک منطق‌دان به نام والتر پیتس^۳ ساخته شد. اما محدودیت‌های فناوری در آن زمان، اجازه کار بیشتر را به آن‌ها نداد.



شکل ۲-۲- ساختار یک نرون مصنوعی

بنابراین بشر توانست توسط مفاهیم ریاضی، یک نرون طبیعی را الگوسازی کند. همان طور که در شکل (۲-۲) ساختار یک نرون مصنوعی را مشاهده می‌کنیم، ورودی‌های هر کدام در وزن‌های مخصوص خود ضرب و با هم جمع می‌شود و در انتها به وسیله تابع‌هایی خاص خروجی از روی ورودی تصمیم‌گیری می‌شود.

مراحل طراحی یک شبکه عصبی:

در طراحی یک شبکه عصبی مصنوعی، دو مرحله انجام می‌گیرد.

أ. آموزش: در این مرحله، ورودی و خروجی مشخص است و بر اساس آن، شبکه عصبی مصنوعی آموزش داده می‌شود (مقدار وزن‌ها تعیین می‌گردد). انتخاب درست، تابع تصمیم گیرنده و مقدار اولیه برای تابع‌ها در آموزش بسیار مهم است.

ب. اجرا: در این مرحله، در ابتدا با اعمال ورودی به شبکه، خروجی‌های مشخص استخراج می‌گردد (برای آزمایش درستی شبکه و سپس ورودی‌های جدید اعمال می‌گردد و خروجی‌های جدید به دست می‌آید [۴]).

^۱. Neurophysiologist

^۲. Warren McCulloch

^۳. Walter Pitts

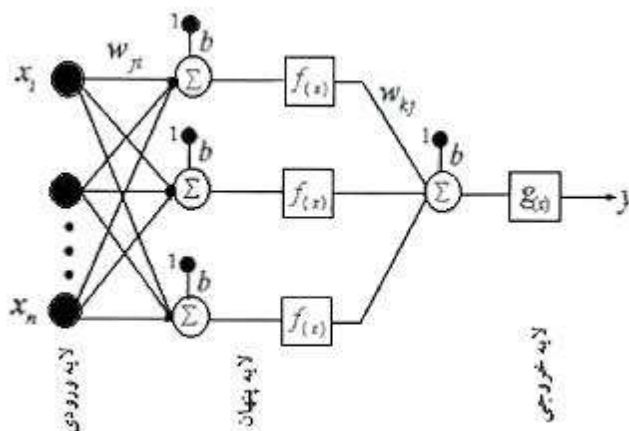
شبکه‌های عصبی مصنوعی^۱

ANN یا به عبارت دیگر سیستم‌های اتصال‌گر، سیستم‌های محاسبه‌کننده‌ای هستند که از شبکه‌های عصبی زیستی الهام گرفته شده‌اند. این سیستم‌ها، با بررسی مثال‌ها، فعالیت‌ها را یادگیری می‌کنند (به عبارت دیگر عملکرد خود را در انجام فعالیت‌ها به مرور بهبود می‌دهند) و عموماً این اتفاق بدون هیچ برنامه‌نویسی مختص به فعالیت انجام می‌شود. برای مثال، در شناسایی تصویر، این شبکه‌ها می‌توانند یاد بگیرند که تصاویر شامل گربه را با تحلیل تصاویر مثالی که قبلاً بطور دستی به عنوان "با گربه" یا "بدون گربه" برچسب‌گذاری شدند، شناسایی کنند و از این نتایج برای شناسایی گربه در تصاویر دیگر استفاده نمایند. شبکه‌های عصبی این عمل را بدون دانش قبلی در مورد گربه انجام می‌دهند؛ یعنی مثلاً از مو، دم، سیبیل یا صورت گربه خبر ندارند. در عوض، خود مجموعه، مشخصه‌های مرتبط را از مطالب آموزشی که پردازش می‌کنند، توسعه می‌دهند.

یک ANN بر مجموعه‌ای از واحدهای متصل یا گره، به نام نورون‌های مصنوعی، مبتنی است (مشابه نورون‌های زیستی در مغز حیوان). هر اتصال (سیناپس) میان نورون‌ها می‌تواند سیگنالی را از یک نورون به نورون دیگر انتقال دهد. نورون دریافت‌کننده (پست سیناپتیک) می‌تواند سیگنال‌ها و سپس نورون‌های سیگنالی متصل به آن را پردازش کند. در پیاده‌سازی‌های معمول ANN، سیگنال سیناپس یک عدد حقیقی است، و خروجی هر نورون توسط تابعی غیر خطی از ورودی‌های آن محاسبه می‌شود. نورون‌ها و سیناپس‌ها معمولاً دارای وزن هستند که توأم با پیشرفت یادگیری، تنظیم می‌شود. این وزن، قدرت سیگنالی را که به سیناپس می‌فرستد افزایش یا کاهش می‌دهد. نورون‌ها می‌توانند آستانه‌ای داشته باشند که تنها اگر سیگنال مجموع از آن آستانه عبود کند، سیگنال فرستاده شود. معمولاً، نورون‌ها در لایه‌ها سازماندهی می‌شوند. لایه‌های مختلف ممکن است تبدیلات مختلفی روی ورودی خود اعمال کنند. سیگنال‌ها از اولین لایه (ورودی) به آخرین لایه (خروجی) سفر می‌کنند، و در این بین ممکن است لایه‌هایی را چند بار طی کنند.

شبکه‌های عصبی در فعالیت‌های متنوعی استفاده شده‌اند، از جمله بینایی ماشین، شناسایی گفتار، ترجمه ماشینی، فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رومیزی و بازی‌های ویدیویی و تشخیص پزشکی.

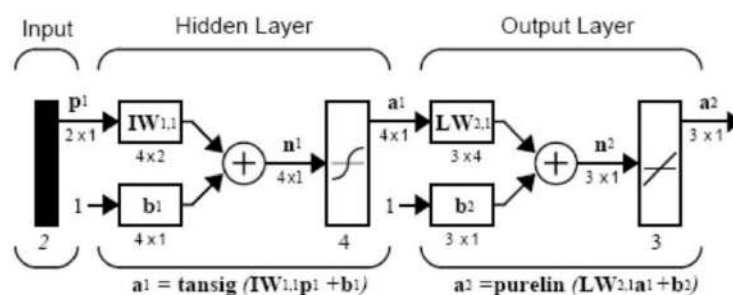
یک شبکه عصبی، گروهی از رئوس متصل است، شبیه شبکه بزرگ نورون‌ها در مغز. هر راس دایره‌ای، در شکل (۱-۳)، نمایشگر یک نورون مصنوعی است و پیکان نمایشگر یک اتصال از خروجی یک نورون مصنوعی به ورودی نورون دیگری است.



شکل ۳-۱- ساختار نورون عصبی مصنوعی

^۱. Artificial Neural Networks(ANN)

ساختار عادی یک شبکه عصبی مصنوعی، معمولاً از لایه ورودی^۱، لایه‌های میانی^۲ یا مخفی و لایه خروجی^۳ تشکیل شده است. لایه ورودی یک لایه انتقال دهنده و وسیله ای برای تهیه کردن داده هاست. آخرین لایه یا لایه خروجی شامل مقادیر پیش‌بینی شده به وسیله شبکه است و بنابراین، خروجی مدل را معرفی می‌کند. لایه میانی یا مخفی که از نرون‌های پردازشگر تشکیل شده‌اند، محل پردازش داده‌هاست. شمار لایه‌ها و شمار نرون‌ها در هر لایه مخفی به طور معمول به وسیله روش آزمون و خطا مشخص می‌شود. نرون‌های لایه‌های مجاور در شبکه به طور کامل با هم در ارتباط هستند. به طور کلی، شبکه‌های عصبی به دو نوع شبکه‌های پیش‌خور^۴ (FFN) و پس‌خور^۵ (RNN) تقسیم می‌شوند.



شکل ۳-۳- شبکه پیش‌خور دولایه

منابع:

- [۱]. فاست، لوران (۱۳۹۲). مبانی شبکه‌های عصبی. ترجمه هادی ویسی، کبری مفاخری و سعید باقری شورکی. نشر نص. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۰-۲۱۵-۸.
- [2]. KarlNygren. **Stock Prediction- ANeural network** Royal institute of Technology, KTH, 2004.
- [3]. Smith L. **An Introduction to Neural Networks** Centre for Cognitive and Computational Neuroscience, Department of
- [4]. Pino Raul, Fuente David Dela, Priore Paolo, Parreno Jose. "Short term forecasting of the electricity market of Spain using Neural Networks". **Journal of Economic Literature Codes: C45, C53.**

¹. Input Layer
². Hidden Layer
³. Output Layer
⁴. Feed forward network
⁵. Recurrent Neural Networks

مناسبت‌های زمستان ۱۳۹۹

۸ دی (۱۳ جمادی الاول) شهادت حضرت زهرا(س)



۹ دی روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

۹ دی برخاسته از بصیرت است از دشمن شناسی است از وقت شناسی است از حضور در عرصه مجاهدانه است.



۱۳ دی سالروز شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود.

۲۸ دی (۳ جمادی الثانی) شهادت حضرت زهرا(س)



۸ بهمن (۱۳ جمادی الثانی) سالروز وفات حضرت ام البنین و روز تکریم مادران و همسران شهدا



سلام بر استقامت ام البنین!

آسمانی که چهار قرص ماهش را بی هیچ چشم داشتی تقدیم کربلا کرد، مادری که چهار ستون قامتش فرو ریخت؛ اما باز ایستاد و پژواک کربلا را در مدینه انعکاس داد! این بقیع است و اینکه آخرین قدم زمینی اش را بر آن گذاشته، «ام البنین» مادر «وفاداری»، مادر «صبر» و «استقامت»، مادر «چهار قرص ماه»، دامنی که ادامه دامن فاطمه بود تا حسین علیه السلام سر بر آن بگذارد، تا زینب، بی هیچ دغدغه، غصه هایش را در آن مویه کند، تا عموی تشنگان کربلا، وفاداری را و گذشت را از آن بیاموزد.

ام البنین، مادر داغدار مدینه بود، اما ایستاد؛ ایستاد و کربلا را در مدینه، پنجره در پنجره سرود. کربلا را در کوچه های مدینه جاری کرد. دست هایش، آشناترین داغ کربلا بود.

۱۲ بهمن آغاز دهه فجر و ۲۲ بهمن پیروزی انقلاب اسلامی ایران

دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گرامی باد

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
دهه‌ی فجر، در حقیقت مقطع‌رهای ملت ایران و آن
بخشی از تاریخ ماست که گذشته را از آینده جدا کرده
است.
۱۳۶۹/۱۰/۱۱



۱۵ بهمن (۲۰ جمادی الثانی) ولادت حضرت زهرا(س)





۲۵ بهمن (۱ رجب) ولادت امام محمد باقر(ع)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: آن که از شما به دیگری علم بیاموزد، پاداش او (نزد خدای متعال) به مقدار پاداش دانشجوست و از او هم بیشتر می باشد.

۲۷ بهمن (۳ رجب) شهادت امام هادی (ع)



۴ اسفند (۱۰ رجب) ولادت امام جواد(ع)



۵ اسفند بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی روز مهندسی

روز پنجم اسفند ماه در تقویم رسمی کشور ایران به عنوان روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس نام گذاری شده است. ابوجعفر محمدبن محمد معروف به خواجه نصیرالدین در ۵ اسفند سال ۵۹۷ ق در طوس به دنیا آمد. ابتدا علوم عقلی و نقلی و حکمت مشاء و سپس ریاضیات، فقه، فلسفه، نجوم و ادبیات را آموخت و در علوم روز به استادی تمام رسید.

خواجه نصیرالدین چند سال پس از حمله سپاه چنگیزخان مغول، به قلعه اسماعیلیه پناه برد و در آنجا نیز از تالیف و نگارش باز نایستاد. با غلبه سپاه مغول بر اسماعیلیان، وی به خدمت هولاکوخان فرمانروای وقت مغول پیوست و با استفاده از نفوذ خود، از کشتار مردم و دانشمندان و تخریب آثار فرهنگی و علمی و غارت شهرها و روستاها جلوگیری نمود. پس از فتح بغداد و سقوط عباسیان، خواجه نصیر مأموریت یافت تا رصدخانه مراغه را ترتیب دهد. او جماعتی از ریاضی دانان بزرگ را گردآورد و کار احداث رصدخانه را در سال ۶۵۷ ق آغاز کرد. خواجه نصیرالدین، با این کار، عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند در یک مکان، جمع کرد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث نمود. وی برای تهیه کتاب‌های مورد نظر، کتبی از بغداد، شام و شمال آفریقا و اطراف و اکناف ایران فراهم نمود و کتابخانه‌ای با بیش از ۴۰۰ هزار جلد کتاب، ایجاد کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت.

خواجه نصیرالدین یکی از بزرگ‌ترین بنیانگذاران کلام شیعه بود و ضمن تایید حکمت ابن‌سینا، به شرح مشکلات اشارات پرداخت. وی همچنین آثار متعددی را در علوم مختلف به نگارش درآورد که اخلاق ناصری، تجرید العقاید، زیج ایلخانی، اوصاف الاشراف، اساس الاقتباس و تذکره نصیری و بیش از ۶۰ اثر دیگر در اصول دین، منطق، هندسه، هیئت، نجوم، عروض و شعر از آن جمله اند. خواجه نصیرالدین در سال ۶۷۲ در ۷۵ سالگی درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد.^۱

۷ اسفند (۱۳ رجب) ولادت امام علی (ع)

میلاد با سعادت امام علی (ع) مبارک باد.

قال رسول الله
علي خَيْرِ الْبَشَرِ مِنْ أَبِي قَحْفَرٍ



۹ اسفند (۱۵ رجب) رحلت حضرت زینب (س)

در بلاغت چون علی در فصاحت چون حسن
در شهامت چون حسین و در حیا چون مادر است
از کمال علم و تقوی شد عقیده نام او
همچو زهرا از همه زن‌های عالم برتر است

۱۹ اسفند (۲۵ رجب) شهادت امام موسی کاظم (ع)



۲۰ اسفند روز راهیان نور

گرامی داشت یاد، خاطره و آرمان‌های بلند و جاودانه شهیدان هشت سال دفاع مقدس و حضرت امام خمینی (ره) و تکریم و تجلیل از مجاهدان و فعالان عرصه راهیان نور و تأکید بر لزوم اجرای توصیه‌ها و رهنمودهای ارزنده و راه‌گشای مقام معظم رهبری در راستای رشد و تعالی از اهداف حرکت عظیم و پربرکت راهیان نور است.

۲۱ اسفند (۲۷ رجب) مبعث حضرت رسول اکرم (ص)



۲۱ اسفند روز بزرگداشت نظامی گنجوی



الیاس بن یوسف نظامی گنجه ای شاعر داستان سرا و رمزگوی سده ششم ایران، بزرگترین داستان سرای منظومه های حماسی عاشقانه به زبان پارسی است. نظامی در علوم عقلی بویژه در فلسفه، منطق، ریاضیات و نجوم سرآمد بود و در علوم نقلی نیز همانند قرآن، فقه، احادیث تبحر و مهارت کامل داشته است. مهمترین اثر نظامی "پنج گنج" یا "خمسه" است مشتمل بر پنج مثنوی که به ترتیب تالیف عبارتند از: ۱- مخزن الاسرار ۲- خسرو و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- اسکندرنامه مشتمل بر اقبال نامه و شرف نامه ۵- هفت پیکر. اثر دیگر او دیوان قصاید و غزلیات می باشد. نظامی از شاعرانی است که باید او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد و تکمیل سبک و روشی خاص دست یابد. اگر چه داستان سرایی در زبان فارسی به وسیله نظامی شروع نشده لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته است شعر تمثیلی را به حد اعلای تکامل برساند نظامی است. در سن شصت و سه سالگی در گنجه درگذشت و به خاک سپرده شد.

۲۲ اسفند روز بزرگداشت شهدا



۲۵ اسفند روز بزرگداشت پروین اعتصامی



پروین اعتصامی مشهورترین شاعر زن ایرانی، فرزند یوسف اعتصامی آشتیانی ملقب به اعتصام الملک نویسنده و مترجم معاصر ایرانی و اختراالملوک اعتصامی است. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی تحت نظر پدرش و استادانی چون دهخدا و ملک الشعراء بهار سرودن شعر را آغاز کرد. پدرش، از شاعران و مترجمان عصر خود بود که در شکل گیری زندگی هنری پروین و کشف استعدادها، ذوق و گرایش وی به سرودن شعر نقش مهمی داشت. او در بیست و هشت سالگی ازدواج کرد، اما به دلیل اختلاف فکری با همسرش، پس از چندی از او جدا شد. پروین بعد از جدایی، برای مدتی در کتابخانه ی دانشسرای عالی تهران به شغل کتابداری به کار پرداخت. پروین پیش از دومین چاپ دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصبه در سی و پنج سالگی در تهران درگذشت و در حرم فاطمه معصومه (س) در آرامگاه خانوادگی اش، به خاک سپرده شد. پروین اعتصامی از پیروان «جریان تلفیقی» است. جریان تلفیقی عبارت است از

ترکیب سبک شعر سنتی و اندیشه‌های تازه. شعر پروین از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و معانی، بیشتر به صورت «مناظره» و «سؤال و جواب» است. در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی برجسته ساخته است. این مناظره‌ها نه تنها میان انسان‌ها و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیاء -از قبیل سوزن و نخ- نیز اتفاق می‌افتد. پروین در بیان مقاصد خود از هنرهای «شخصیت‌بخشی» و «تخیل» و «تمثیل»، با شیوایی کم‌نظیر استفاده‌ی بسیار کرده است.

زاد روز پروین (بیست و پنجم اسفندماه)، به عنوان «روز بزرگداشت پروین اعتصامی» نام‌گذاری شده است.

۲۷، ۲۸ و ۲۹ اسفند (۵، ۴، ۳ شعبان) ولادت امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع) و امام سجاد (ع)



۲۹ اسفند روز ملی شدن صنعت نفت

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی، اقتصادی و مبارزات مردم ایران برای نجات سرمایه‌های ملی این مرز و بوم از دست بیگانگان به شمار می‌رود. زمانی که اولین چاه نفت در ایران در بیش از یکصد سال قبل در منطقه مسجد سلیمان در استان خوزستان توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد، دولت وقت ایران هیچ آگاهی و درکی از این اتفاق مهم نداشت. اما کاشفان آن به خوبی می‌دانستند به چه ثروتی در ایران دست یافته‌اند و پایه‌های استعمار خود در ایران را با قراردادهای استثماری استخراج، تولید و فروش نفت خام ایران بنا نهادند. شرایط بین‌المللی در این دوره، به نحوی بود که کشورهای مختلف به ویژه روسیه، انگلیس و آمریکا با پیشنهادهایی به دولت ایران، خواستار کسب امتیاز نفتی بودند و از آنجا که انگلیس، امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت جنوب کشور را در اختیار داشت، روسها درصدد کسب امتیاز منابع نفتی شمال و آمریکایی‌ها نیز به دنبال امتیاز نفت، در ایران بودند. حرکت ملی شدن صنعت نفت در شرایطی شکل گرفت که ایران بزرگترین تولیدکننده نفت خام خاورمیانه بود و پس از آمریکا، ونزوئلا و شوروی سابق؛ چهارمین تولیدکننده معتبر نفت خام دنیا محسوب می‌شد. در آن دوران، کل تولید نفت خام ایران، ۳۲ میلیون تن در سال معادل بیش از یک سوم مجموع تولید نفت خام خاورمیانه (۹۰ میلیون تن در سال) بود. از سوی دیگر، ایران ۹۰ درصد نفت خام مورد نیاز اروپای غربی را در آن دوران تامین می‌کرد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد.^۱



اخبار دانشگاه زمستان ۹۹

نمایه سازی فصلنامه گروه زبان در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

فصلنامه "آموزش زبان خارجی و مطالعات ترجمه"^۱ گروه زبان خارجی دانشگاه از تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه سازی می شود.

برگزاری مسابقه کتابخوانی عبد شکور

امور فرهنگی دانشگاه مسابقه کتابخوانی عبد شکور را به مناسبت هفته فرهنگی دانشگاه در دو بخش کارمندان و دانشجویان برگزار نمود. بخش دانشجویی از طریق سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار گردید. منبع مسابقه کتاب عبد شکور نوشته محمدمختاری و سیدجواد بهشتی از انتشارات ستاد اقامه نماز انتخاب شد. برندگان مسابقه هاجر محمدی دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر، بهاره سادات علوی دانشجوی رشته مترجمی زبان انگلیسی و نیلوفر جانقربان دانشجوی رشته مهندسی صنایع.

برگزاری مسابقه راهیان نور

به مناسبت روز راهیان نور امور فرهنگی دانشگاه مسابقه ای با همین عنوان برگزار کرد. در این مسابقه از مطالب هفته های چهلمین سالگرد دفاع مقدس که توسط امور فرهنگی تهیه شده بود به عنوان منبع استفاده گردید. برنده مسابقه آقای علی فشارکی فرد دانشجوی رشته مدیریت جهانگردی.

Jame' of Sheikh Bahae

April 2021, Internal Magazine of Sheikh Bahae University

